

# چهره‌نما

## Chehreh Nama

بهار ۱۳۹۴ زرتشتی ۱۳۹۶ خورشیدی

نشریه مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

سال سی و پنجم شماره ۱۸۱

English



# نورپاس

میراث به جا مانده ایرانیان در شرق آفریقا



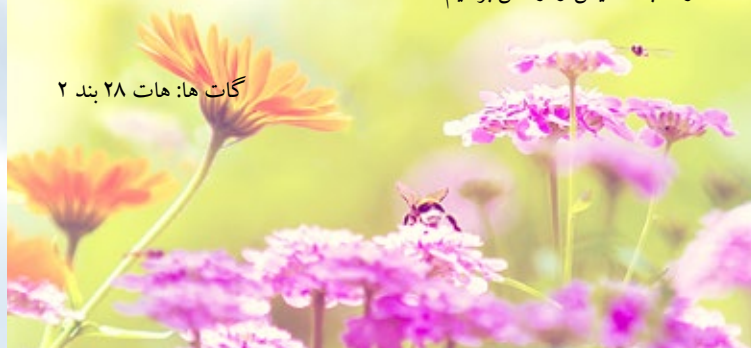


ای اهورامزدا (دانایی و آگاهی بیکران) کرداری که، برابر با آیین راستی و منش نیک نباشد.  
هرگز از ما سر نزنند و ما را از تو دور نسازد. با نیایش تو راستایش گویم.  
چون بیش از هر چیز سزاوار ستایشی. شهریارِ سودبخش مینوی، از آن توست.

گات ها یسنا ۲۸ بند ۹

ای دانایی و آگاهی بیکران هستی مند. با و هومن (منش نیک) به تو روی می آورم.  
مرا و یارنم در پرتو اشا (هنجار راستی) بخشش و نیکویی هردو هستی. را پیشکش دار. تا به آسایش و آرامش برسیم.

گات ها: هات ۲۸ بند ۲



بر گیری از نوشته های چهره نما با چاپ نام نویسنده و نشانی تارنما آزاد می باشد.  
چهره نما در گزینش و ویرایش نوشته های رسیده آزاد است و نوشتارهای رسیده باز گردانده نمی شود.  
دیدگاه های بازتاب شده در نوشته ها همیشه گویای دیدگاه های انجمن دبیران چهره نما نمی باشد.  
چهره نمای مرکز زرتشتیان کالیفرنیا ، نشریه ایست دینی ، اجتماعی ، تاریخی ، ادبی و فرهنگی که به هیچ دسته و گروه سیاسی بستگی ندارد.

Trust of Morvarid Guiv  
1037 S. Bedford St. #3  
Los Angeles, CA 90035

هموندان و خوانندگان گرامی،

گروه مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا بهترین شادباشهای خود را بمناسبت فرارسیدن جشن نوروز و همچنین خجسته زادروز اشوزرتشت را به همه فارسی زبانان و دوستداران آموزشهای همیشه نو و جاودان آن بزرگ مرد تاریخ را پیشکش نموده و از اهورامزدا آرزوی سالی بسیار پر بار و همراه با تندرستی ، شادی و پیروزی را برای همگان درخواست مینماید.

در سال گذشته گروه مدیران کوشش کرد با همیاری هموندان فعالیتهای فرهنگی و هنری مرکز را توسعه دهد . همچنین در نوسازی مرکز کوشش خود را کرده بخشی از ساختمان برادران فرهنگی را با همیاری گروه زنهارداران به کلاسهای آموزشی مرکز پیوند داده است . همچنین در این سال قرارداد سیستم انرژی خورشیدی را بسته است که خود موجب صرفه جویی در هزینه برق مرکز میشود. گروه مدیران بر آنست که در سال نو نیایشگاه و تالار مروارید گویو مرکز را نوسازی نماید. در این کار مهم به همیاری هموندان و همکیشان برای پیشبرد جامعه نیاز دارد. از همه همکیشان خواهانیم که با پیوستن و هموند شدن و دهشهای خود به مرکز ما را یاری دهند.

همانور بیم همانور هما اشو بیم  
گروه مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

زیر نگر گروه دبیران  
گرافیک ، رایانه و صفحه آرا : کوبین یکتاهی  
تایپ : پروین رستمیان  
اینترنت : رامین شهریاری



## نوروز؛ راز چستی و رمز همبستگی ایرانی

نوروزی دیگر فرا می رسد. با آیین هایش ... از هزار توی رخدادهای تاریخش ... پیر است و فرزانه. آن هنگام که می آید ایران و ایرانی را به شور و شادی و می دارد. نوروز که می رسد جهان ایرانی را تازه می گرداند، گرد و غبار یک ساله را از خان و مان و کوی و برزن بر می گیرد، جامه ها و رخت ها نو می شوند. طبیعت و درخت و گل دوباره زندگی را فریاد می کنند، انگار جهان دوباره زاده می شود و جهانیان به تازه شدن فراخوانده می شوند.

نوروز که می آید، گذرا بودن جهان را نیز گوشزد می کند، این که بهار با لطافتش، تابستان با گرمایش، پاییز با زیباییش و زمستان با سرماییش می آیند و می روند. دگرگونی پی در پی روزگار را بر ما نهیب می زند. به گفته ی فردوسی بزرگ: بد و نیک بر ما همی بگذرد / خردمند مردم چرا غم خورد نوروز، پیش از هر چیزی شادی آور است و ما را به کار و کوشش فرا می خواند. با خانه تکانی که نوید آمدنش را می دهد، گرد شادی پراکنده می شود، چهارشنبه سوری و آیین های سنتی اش بر آن شادی می افزایند- دریغ و افسوس که صدای جانخراش ترقه و بوی باروت جای قاشق زنی و آش را گرفته اند- پنج روز پنجه و آتش بام و چیدن خوان نوروزی در آستانه ی نوروز، شادی و هیجان را در هم می آمیزد و این گونه سال، نو می شود. دید و بازدید و عیدی و ... که جای خود دارند. بایستگی کار و کوشش و شادی و گذرا بودن روزگار را به خوبی در سخن اندیشمند نیشابور می بینیم:

چون ابر به نوروز رخ لاله بشست / برخیز و به جام باده کن عزم درست  
کاین سبزه کامروز تماشاگه تست / فردا همه از خاک تو بر خواهد رست

نوروز و فروردین در باور ایرانی جشن بازگشت فروهر در گذشتگان نیز هست. ایرانیان بر این باورند که در این ماه فروهر نیاکان به خانه و نزد زندگان خویش باز می گردند. از این روست که همه چیز نو می شود و دلگیری ها به کنار گذاشته می شوند تا شادی فروهرها نیز به همراه باشد. شاید هیچ چیز به اندازه این باور نتواند مردمان را، به دور افکندن کدورت ها و اوار دارد. شادی فروهر نیاکان نیرومندترین انگیزه های است که می تواند خوششان و دوستان دور افتاده و دل گسسته را به هم نزدیک کند. همه ی آن چه گفته شد، به خوبی نشان می دهد که نوروز نماینده ی چستی ایرانی است. گویی ویژگی های انسان ایرانی را فشرده کرده اند و آن را در نوروز نمایش داده اند. فرشه یا تازه گردانی در آن هست. شادی را ارج گذاشتن، در آن موج می زند. باور به گذرا بودن جهان هستی از یک سو و بازگشت فروهرها و جهان پس از مرگ از دیگر سو به خوبی در این جشن دیده می شود. گرامیداشت بزرگترها در دید و بازدیدهای نوروزی، مهمان نوازی و ویژه ی ایرانیان و ... همه و همه از نوروز گنجی ساخته است که در میان دیگر جشن های ایرانی نمونه ای برایش نمی شناسیم.

نوروز موزه ای است که هر سال ما را به درون خویش می کشد. خویشتن ما را به ما نشان می دهد. ایرانی بودن را به یادمان می آورد و چگونه ایرانی ماندن را به ما می آموزاند. نوروز با آیین های رنگارنگش که هر یک فرزانش و فلسفه ای را بر دوش می کشد جامه ی یکسانی را بر تن همه ی ما می کند، جامه ای که نشان ایرانی بودن ماست. نوروز که می آید هر جای جهان که باشی تفاوتی ندارد، کافیت ایرانی باشی تا به یاد دوستان و خویشانی بیفتی که یک سال از آنان خبر نداشتی. نوروز رمز همبستگی ایرانیان است از گذشته تا کنون و از هم اکنون تا آینده. نوروز همیشه پیروز باد.

بابک سلامتی

مدیر مسئول و سردبیر هفته نامه امرداد

## فریدون مشیری

عاقبت کجا ؟  
کدام دل ؟  
کدام دست ؟  
آشتی دهد من و ترا ؟  
تو به هر کرانه گرم رستخیز  
من خزان جاودانه پشت میز  
یک جهان ترانه ام شکسته در گلو  
شعر بی جوانه ام  
نشسته روبرو  
پشت ای دیرچه های بسته  
می زخم هوار  
ای بهار ای بهار ای بهار

بوی نرگسی که می کنی نثار  
برگ تازه ای که می دهی به شاخسار  
چهره تو در فضای کوچه باغ  
شعر دلنشین روزگار  
آفرین آفریدگار  
ای طلوع تو  
در میان جنگل برهنه  
چون طلوع  
سرخ عشق  
چون طلوع سرخ عشق  
پشت شاخه کیود انتظار  
ای بهار  
ای همیشه خاطرات عزیز

ای بهار  
ای بهار  
ای بهار  
تو پرنده ات رها  
بنفشه ات به بار  
می وزی پر از ترانه  
می رسی پر از نگار  
هر کجا رهگذار تست  
شاخه های  
ارغوان شکوفه ریز  
خوشه افاقیا ستاره بار  
بیدمشک زرفشان  
لشکر ترا طلایه دار



# گفتگو با دکتر فریدون جنیدی شانزدهم پژوه و مدرسی زبانهای باستانی ایران

مریم خورشیدی

نوروز سر آغاز گاهشماری در جهان ایرانیان باستان از نوروز به عنوان «ناواسردا» به معنی سال نو یاد می کردند. در برخی از متنهاى کهن ایران از جمله شاهنامه فردوسی و تاریخ طبری، جمشید و در برخی دیگر کیومرث به عنوان پایه گذار نوروز معرفی شده اند. روایت های کما بیش مشابه از مبدا پیدایش نوروز وجود دارد که نقطه اشتراک همه آنها خاستگاه باستانی ایرانی نوروز است. دکتر فریدون جنیدی را می توان بی تردید از برجسته ترین کارشناسان زبان باستانی و شاهنامه معرفی کرد تلاش بی وقفه او در آموزش زبانهای پهلوی و اوستایی و برگزاری مجالس شاهنامه خوانی ستودنی است. استاد جنیدی را همیشه می توان در بنیاد نیشابور یافت. مرکزی که به همت خود او از سال ۵۸ دایر شد تا محلی باشد برای حفظ ریشه های زبان فارسی باشد. دیدار ما در همین مکان با او میسر می شود. او نوروز شاهنامه را برایمان روایت می کند:

از آنجا که علمی ترین و قدیمی ترین

گفتار درباره پیدایی نوروز در شاهنامه فردوسی آمده است، نخست می بایستی که شاهنامه را با نگاهی جز آنکه تا کنون به آیین بوده است، بررسی کنیم! شاهنامه شگفت ترین گفتارها را درباره رویدادهای ایران باستان، پیش از جدا شدن تیره های گوناگون را دربردارد.

از آن جمله همواره به «پدید آمدن» زمین و گیاه و جانور و انسان اشاره کرد و چون به انسان می رسد چنین می گوید:

چو زین بگذری، مردم آمد پدید شد این بندها را، سراسر کلید

سرش راست بر شد، چو سرو بلند بگفتار خوب و خرد، کار بند

استاد جنیدی به نگاره های باستانی بدست آمده اشاره می کند و می گوید:

با دقت این شعر در می یابیم در آغاز، تیره های پیشین، خمیده بودند و پیکری همچون دیگر جانوران پوشیده از پشم داشتند تا به انسان امروزی که قامتی راست دارد، با سری افراشته رسید

وی به حقیقتی شگفت تر در بیت دوم اشاره کرد و گفت: انسان از آغاز سخنگو نبوده است این واقعیتی است که فرهنگ های دیر به آن باور ندارند. و چون گفتار پیش آمد، با تبادل آن، کم کم، اندیشه نیرومند شد، و به دنبال اندیشه، خرد پدیدار گردید و نیرو گرفت. آغاز سخنگویی منجر به پیشرفت بشر است، و با همین پیشرفت است که نرم نرم، خرد انسان نیز برتر و برتر می شود.

فریدون جنیدی در ادامه با خواندن دو بیت از شاهنامه به نوروز می پردازد

سر سال نو، هُرمز فرو دین بر آسوده از رنج تن، دل ز کین

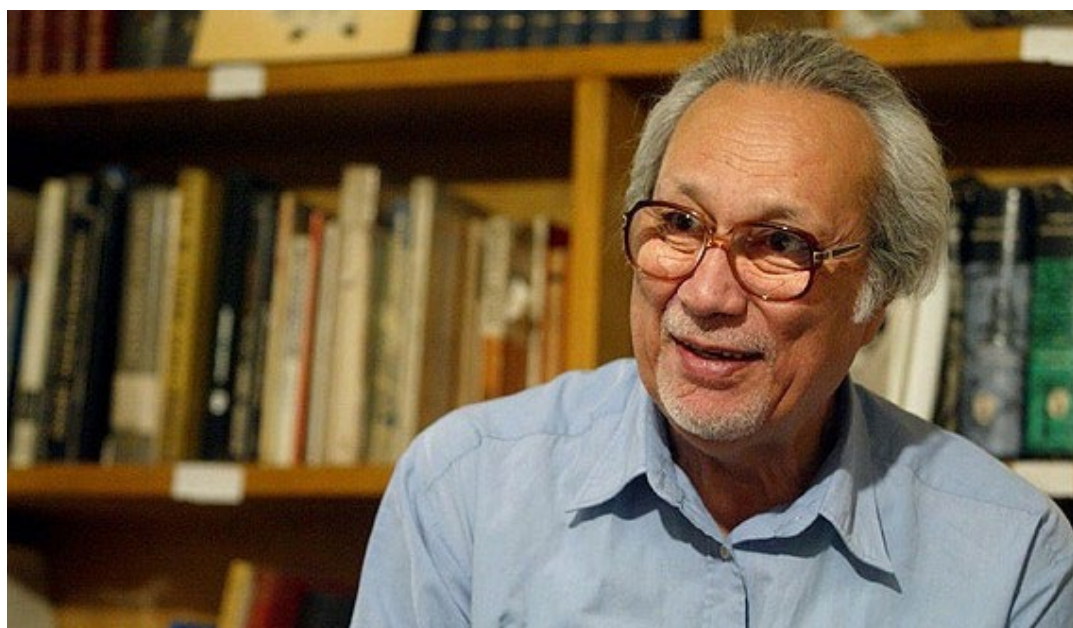
بزرگان بشادی بیاراستند می و جام و رامشگران خواستند

نکته های مهمی در این دو بیت می توان در ارتباط با ریشه های نوروز پیدا کرد. باستانشناسان، پیدایی سفال را بزرگترین دستاورد فرهنگی انسان در شمار می آورند و پیداست که پیش از پیدایی سفال، امکان پختن خوراک و جابجا کردن مایعات

نبوده است. زیرا که اگر با سنگ، هاونی نیز برای کوبیدن دانه ها می ساختند، امکان جابجایی آن نبود اما سفال که سبک و قابل حمل بود، همه کارها را آسان کرد و پیداست که نگهداری میوه ها، برای فصل زمستان، کم کم، انسان را بسوی ساختن «می» رهنمون شد؛ و شگفتی آنگاه بیشتر می شود که بدانیم پیدایی سفال، و جام می به هشت هزار سال پیش بازمی گردد. و در همین زمان است که نخستین سازهای موسیقی نیز پیدا شد، و در همین زمان نیز نوروز پدید آمد، و سالماری، و شناسایی گردش سال، به آیین شد.

استاد جنیدی با رسیدن به این بخش از تفسیر شعر دو شگفتی را مطرح می کند: نخست آنکه لازمه شناختن روز نو، یا خورشید نو که در فروردین ماه، همزمان با برج بره در آسمان طلوع می کند، در گرو شناختن دوازده برج آسمان و پدید آمدن دانشی است که امروز آن را اخترماری (نجوم) می خوانیم، و پیدایی این دانش شگفت نیز به هشت هزار سال پیش بازمی گردد

جنیدی معتقد است بنا بر شواهد بشر برای پی بردن به اینکه در هرمز فروردین یا روز نخست فروردین ماه، اندازه روز با اندازه شب برابر می شود، نیازمند گونه ای دستگاه زمان سنج است که امروز آنرا «ساعت» می خوانیم! و دستگاهی که از زمان پیدایی نوروز تا شست هفتاد سال پیش برای تعیین زمان آبیاری در کشتزارهای ایران بکار گرفته می شد دستگاهی بود که آنرا پَنگان (pangan) می خواندند که عبارت بود از یک کاسه سفالین (و بعدها فلزی) که در ته آن یک سوراخ پدید می آوردند و آنرا روی تشتی پر آب می نهادند، و اندک اندک آب تشت از آن سوراخ به درون کاسه می رفت و چون کاسه پر می شد، به درون آب غرقه می شد، و زمان نهادن کاسه تا فرورفتن



در آب را «یک پنگ» بشمار می‌آوردند ... و چون بیدرنگ پنگی دیگر را روی آب تشت می‌نهادند، پنگ دوم آغاز بکار می‌کرد و همچنین تا پایان شب‌انروز!

دکتر جنیدی پیدایی پنگ سفالین یا نخستین ساعت‌ها را نیز به هنگام پیدایی سفال یعنی هشت هزار سال پیش می‌داند. او می‌افزاید: ساختن نخستین ساعت‌های جهان بر دست ایرانیان خیلی جای شگفتی ندارد. زیرا که در نوشته‌های باستانی آمده است که خلیفه عرب حاکم بر ایران ضمن هدایایی که برای شارلمانی فرستاد یکی جام شراب خسروپرویز است که هنوز در موزه فرانسه نگهداری می‌شود. و دیگر؛ ساعتی بزرگ بود که دو برادر ایرانی ساخته بودند، و در میدان بزرگ پاریس برپای کردند، و هر روز در ساعت ۱۲ ظهر خروسی از آن بیرون می‌آمد و آواز می‌خواند...

از رویدادهای زمان هم یکی اینکه آن سال فرانسه دچار خشک سالی شد، و مردم پاریس گفتند که خروسی که از آن ساعت بیرون می‌آید شیطان است و بر اثر وجود اوست که خشکسالی رخ نموده است. پس چاره کار در شکستن، و نابود کردن ساعت است، و چنان کردند!

وی داستان دیگری را از هوشمندی ایرانیان روایت می‌کند و می‌گوید:

این داستان را نمونه‌ای دیگر نیز هست چنانکه ایرانیان نخستین راه آب را از دریای سرخ به رود نیل و از آنجا به دریای مدیترانه گشودند تا سه قاره شناخته شده باستانی را با راه آبی بیکدیگر پیوند دهند، و هنگامی که رومیان بر مصر مسلط شدند، آن راه آبی را پر کردند.

خوشبختانه دست زمان، سنگ‌نوشته‌های ایرانی را نگاهبانی کرد و نشان داد که راه‌گذر کانال آبی ایرانیان از دیدگاه

دانش مهندسی از کاری که مهندسان فرانسوی ۲۴۰۰ سال پس از آن کرده بودند، برتر بوده است، و یکی از کانال‌هایی که ایرانیان در کشور یونان کشیده‌اند، «کانال آتوس» هنوز کاربرد دارد، و کشتی‌ها از درون آن می‌گذرند. استاد جنیدی برپایه آنچه که از شاهنامه روایت کرد معتقد است:

بر بنیاد آنچه که گفته شد، جشن نوروز برترین جشن جهان است و آن پاسداشت و بزرگداشت دانش ریاضی و اخترماری و گاهشماری و موسیقی است، که همراه با شراب، و جام (یعنی سفال) به جهانیان پیشکش شد! و به همین دلیل است که با گذر هشت هزار سال و با آنهمه یورش‌ها و کشتارها و کتابسوزی و تباہ کردن آثار فرهنگ ایرانی، هنوز از سوی ایرانیان پاسداری می‌شود، اما از آنجا که سده‌ها است که بجز دو دوره کوتاه یعقوب لیث و کریم‌خان زند، ایران دارای حکومتی ایرانی نبوده است، چهره واقعی این جشن، زیر سبزه و گل و هفت سین و آرایش سفره و شادی و پایکوبی گم شده است اما در جهان به جایی رسیده‌ایم که اراده کنیم، و چهره واقعی نوروز را که یادآور کوشش‌های دانشی نیاکان است پاس بداریم. کاری که کم‌کم جهان خفته غیر ایرانی نیز بدان پی می‌برد، که اگر آغازی درست برای سال بخواهیم، همانا، آن آغاز سال ایرانی است که با جنبش جان جهان نیز همراه است. دکتر فریدون جنیدی خواست که این یک سخن پایانی را نیز بشنویم:



اروپائیان که اخیراً منکر پیوندشان با ایران شده‌اند، بهنگام مهاجرت از دشت‌های ایران باستان کیش مهر ایرانی را نیز با خود بسرزمین‌های تازه بردند، و گاهشماری باستانی آنان نیز همان گاهشماری ایرانی بود، اما با پذیرفتن کیش مسیح آغاز سال خویش از دو ماه به عقب کشیدند تا همزمان با زایش مسیح بشود! و به همین دلیل است که ماه‌هایی که با شماره، نام گرفته‌اند، هر یک دو ماه به عقب کشیده شده‌اند، چنانکه ماه سپتامبر که ماه هفتم است (sept) نام ماه نهم را بخود گرفته است. همچنین است اکتبر (هشتم) و نوامبر (نهم) و دسامبر (دهم) که امروز نام ماه‌های دهم و یازدهم و دوازدهم است.

و این دلیل از خورشید روشن تر است که اروپائیان از ایران بدان سوی مهاجرت کرده‌اند. شاهد آن سخنی است که در شاهنامه زیر عنوان مسافرت سلم یا سرمته‌ها بسوی غرب آمده است.

دکتر فریدون جنیدی گفت اگر سردمداران این مملکت ندایی را که در این سال‌ها از سازمان یونسکو، یا سازمان ملل متحد درباره گاهشماری ایران عنوان شده است بگوش گیرند، بایستی که سالماری خویش را دوباره بسوی سالماری ایرانی بکشاند، و از یک گونه سالماری نادرخور دور شوند.

استاد جنیدی در پایان گفت: گاهشماری بزرگترین داده بشری است که از ایران به همه دنیا هدیه شده است. گاهشماری که ۸۰۰۰ سال بدون تغییر مانده است، حاصل دقت و ذوق ایرانیان است و از چنان اهمیتی برخوردار است که با مراسم و مناسک ویژه گرامی داشته می‌شود.

# «نوروز، میراث به جا مانده ی ایرانیان در شرق آفریقا»

نگارنده: الیناز فرمینی فراهانی

می‌کنند که نمایانگر ارتباط آنان با عناوین شاهان ایرانی است. شیرازی الاصل‌هایی که امروز در زمره طایفه شیرازی محسوب می‌شوند، با وجود سپری شدن صدها سال از اضمحلال سلسله پادشاهی شیرازی ها، هنوز رگه‌هایی از بقایای نژاد آریایی اجداد خود را حفظ کرده‌اند. از این روی، با وجود آنکه دارای خصوصیات نژاد بنتو Bantu همچون لب‌های کلفت، گونه‌های برجسته، دندان‌های سفید و ردیف و موهای فر و مجعد می‌باشند. ولی در عمق چهره آنان رگه‌هایی از شیرازیان به چشم می‌خورد. حضور ایرانیان در شرق آفریقا به هیچ وجه کشورگشایی یا استعمار نبوده، بلکه ایرانی‌ها با حضور خود در این خطه، شاخصه‌های فرهنگی مثبتی

آفریقا است. مهاجرت شیرازی‌ها را می‌توان بزرگ‌ترین مهاجرت سازمان یافته و منسجم گروهی از مسلمانان ایرانی به تانزانیا و شرق آفریقا دانست. ایرانیان با استقرار در رشته ی باریکی از سواحل و جزایر این منطقه از جنوب سومالی تا شمال کومور در گسترش اسلام در آفریقای شرقی به ویژه مناطق ساحلی آن نقش مهمی ایفا کردند. می‌توان این دوره را مصادف با رشد و تکامل فرهنگ و تمدن سواحیلی دانسته و برای آن ارزش ویژه قائل است. سرآغاز دولت شیرازی در شرق آفریقا به هزار سال پیش برمی‌گردد. در اواخر سده ی چهارم هجری در پی تحولاتی که در نواحی جنوبی ایران رخداد، شمار بسیاری از بازرگانان، دریانوردان ایرانی نخست از بندر سیراف (طاهری) و سپس از جزایر کیش و هرمز به سواحل شرقی آفریقا کوچ کردند گفتنی است که بندر سیراف در حاشیه ی جنوبی خلیج فارس یکی از شهرهای مهم زمان خود و از مناطق مهم دریایی - تجاری بود و بسیاری از بازرگانان و جهانگردان سفر خود را از آن نقطه آغاز می‌کردند. در سال ۳۵۶ ق زلزله ای در آن شهر رخداد که یک هفته ادامه داشت و شهر را ویران کرد. از آن پس جزیره کیش جای سیراف را گرفت. گستردگی نفوذ و حضور ایرانیان را در شرق آفریقا ناشی از چهار عامل است: اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. در مورد عامل سیاسی می‌توان گفت: شیرازی‌ها آن چنان سلطه، نظامی و نفوذ سیاسی در منطقه داشتند که قرن‌ها دوام داشت حتی در حوادث سه دهه پس از

ایرانیان را می‌توان پیشگام مهاجرت به دورترین مناطق جهان دانست. در تاریخ از دورترین اعصار تاکنون، ردپاهایی از عناصر هویت ساز ایرانی در بخشهای مختلف جهان به چشم می‌خورد. نخستین اقوامی که به سواحل شرقی آفریقا گام نهادند مصریان و ایرانیان و سپس اعراب بودند. یکی از مهمترین مهاجرت‌های تاریخی ایرانیان بعد از ظهور اسلام، سفر گروهی از اهالی شیراز در دوره حاکمیت آل بویه از خطه فارس به شرق آفریقا و تشکیل دولتی استوار در این منطقه است که با گذشت زمان، شاخصه‌هایی عمیق از فرهنگ و تمدن ایران را در شرق آفریقا برجای نهاد. این سفر که با انگیزه تجارت و بازرگانی آغاز گشت، با وجود مشکلات پیش روی شیرازی‌های مهاجر، در نهایت موجبات گسترش آموزه‌های فرهنگی و تمدنی و مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی را در سواحل شرق آفریقا فراهم آورد. مهاجرت شیرازیان در قرن دهم میلادی انجام گرفت و مهاجران در قسمت جنوبی اقامت گزیدند و مرکزی به وجود آوردند که در مقابل تانزانیا کنونی قرار داشت و با مقدیشو (شهر و بندر) شروع به رقابت کردند. ایرانیان نخستین حکومت بزرگ را در این منطقه پایه گذاری کردند که مشهور به دولت یا امپراتوری زنگبار شد و توانست بیشتر حکومت‌های کوچک شهرهای عربی را ضمیمه خود کند و پایتخت خویش «کیلوا» را مرکز شغل آن سرزمین سازد. ایرانیان با کردار انسانی خود به سرعت در بومیان رسوخ کردند و حکومتی دادگستر مبتنی بر اخلاق، برابری، عدالت، تفاهم همانند حکومت هخامنشیان در شمال آفریقا پدید آوردند که در نوع خود بی نظیر بود. دخالت نکردن ایرانی‌ها در حدیث تلخ بردگی و برده داری، از جنبه‌های بسیار درخشان و افتخارآمیز پادشاهی شیرازی‌ها در







را از خود به یادگار گذاشته‌اند. ایرانیان دو نوع میراث فرهنگی در شرق آفریقا برای مردمان این سرزمین به یادگار گذاشته‌اند. میراث فرهنگی مادی tangible به مجموعه مظاهر مادی که خارج از وجود ما تحقق مادی و فیزیکی دارد اطلاق می‌شود و بیشتر ارزش‌های تاریخی و هنری بر آثار و مظاهر مادی مرتبط است مانند: بناها، اشیاء و غیره. میراث غیرمادی، ناملموس intangible عبارت است از کنش‌هایی اجتماعی همچون آیین‌ها و جشن‌ها، هنرهای نمایشی و جهان‌شناخت‌های گوناگون، تأثیرات زبانی و کنش‌های ناشی از آنها، که جوامع و گروه‌ها و در برخی از موارد افراد، آن‌ها را جزئی از میراث فرهنگی خویش میدانند. این میراث غیرمادی که از نسلی به نسل بعد منتقل می‌شود، به صورتی مستمر به وسیله‌ی جوامع و گروه‌ها، و در تعامل با محیط طبیعی و تاریخ، در حال بازآفریده شدن است و برای آنها حسی از هویت و استمرار را فراهم ساخته و در نتیجه سطح احترام به گوناگونی فرهنگی و خلاقیت انسان را ارتقا می‌بخشد. در زیر به یکی از میراث فرهنگی ناملموس که توسط مردم ایرانی به شرق آفریقا رسیده است، تحت عنوان «نوروز» اشاره می‌شود.

مراسم نوروزی یکی از شاخص‌ترین آداب و رسوم برجای مانده از شیرازی‌ها در منطقه شرق آفریقا، جشن موسوم به نوروز است که در زبان سواحیلی به آن سیکویاموکا siku ya Mwaka و سیکویانوروزی siku ya nauruzi گفته می‌شود. برخی از قبایل شیرازی نیز آن را مواکاگوکا mwaka Kogwa می‌خوانند. جشن نوروز در روز ۲۱ مارس (اول فروردین) همزمان با عید نوروز در ایران، در سرتاسر سواحل منطقه شرق آفریقا به ویژه در جزیره زنگبار (اونگوجا و پمپا) و مناطق جنوبی سواحل شرق آفریقا (باشکوه خاصی برگزار می‌شود در یکی از حوادث مهم مردمان این سرزمین به حساب می‌آید. آداب و رسم جشن نوروز در سواحل شرق آفریقا از برخی جهات همچون نظافت و از بین بردن گرد و غبار

سال گذشته (خانه تکانی) و برپا کردن آتش (چهارشنبه سوری)، با مراسم عید نوروز ایرانی‌ها شباهت زیادی دارد؛ ولی در عین حال برخی از سنت‌های بومی قبایل شرق آفریقا، در این جشن راه یافته است. جشن نوروز با یکی از جشن‌های بزرگ قبایل بتو به نام میدزمو midzimu به معنای روح زمین به زبان سواحیلی که توسط فردی واسطه‌گونه بین انسان‌ها و ارواح پیشینیان موسوم به مویاله muyale انجام می‌شود، درهم آمیخته است. نحوه‌ی آغاز آداب و رسوم نوروز در سواحل تانزانیا و کنیا بدین صورت است که در صبح روز جشن نوروز، پس از طلوع خورشید، مردمان سواحیلی اعم از زن و مرد بدن‌های خود را در آب اقیانوس هند شستشو داده و خود را از هر گونه آلودگی، پاک و منزه می‌سازند. در روز جشن عید نوروز، مردان در مکان‌های مشخص، به قربانی نمودن بَر و توزیع آن در بین افراد و تلاوت قرآن می‌پردازند. جشن با صرف غذایی موسوم به کارامو karamu که در جزیره تومباتو به کیواو kiwao می‌گویند، ادامه می‌یابد. در ادامه مراسم جشن نوروز، جنگ‌های خنده‌دار و رقص‌های موسوم به انگوما ngoma در سرتاسر شب صورت می‌گیرد که این جنگ‌ها در هر یک از شهرهای زنگبار و مناطق ساحلی تانزانیا و کنیا، خاص خود بوده و دارای آداب و رسوم ویژه‌ای است. جالب‌ترین این جشن‌ها در جنوب جزیره اونگوجا صورت می‌پذیرد که هزاران نفر از سرتاسر زنگبار (اونگوجا و پمپا) برای دیدن رقص‌های مزبور و جنگ‌های مضحک و خنده‌آور، در آنجا اجتماع می‌ورزند این جنگ‌های مضحک نمایانگر تقلا و تلاش سال قدیم و سال جدید برای جا به جایی توأم با سوزاندن نماد سال قدیم است. از دیگر مراسم جالب جشن‌های نوروز در سواحل تانزانیا و زنگبار، نحوه‌ی خاموش کردن آتش قلبی و روشن کردن آتش نو است که به سبکی ابتدایی و خاص خود صورت می‌گیرد؛ بدین صورت که چوب‌هایی نازک بر روی هم گذاشته شده با آتش‌زدن این چوب‌ها، آتش بزرگی فراهم می‌گردد. برخی از قبایل شیرازی الاصل در جنوب کنیا نیز همزمان با فرارسیدن جشن نوروز، رقص جالبی موسوم به گونگو gungu را در مناطق جنوبی کنیا برگزار می‌کنند. در این جشن‌ها که با بازی‌هایی با شمشیر و چوب همراه است، اشعاری به زبان سواحیلی توسط برخی از شعرا خوانده می‌شود که از آهنگ زیبایی برخوردار است:

ای شاه ما آمده‌ایم

ماهمه باهم

و شما نیایش کنید و در پیروی از ما بشتابید

بیابید شب را به تماشا بگذرانیم  
و به تماشای رقص گونگو بیدار بمانیم  
ای شاه ما آمده‌ایم و.....  
این اشعار، در برگزیده اطلاعات مهمی درخصوص نحوه ورود شیرازی‌ها به سواحل شرق آفریقا و نفوذ فرهنگ ایرانی در مناطق جنوبی کنیای آن عهد به شمار می‌رود. به نظر می‌رسد که منظور از شاه ایرانی اشعار مزبور نیز یکی از حاکمان شیرازی مستقر در این منطقه بوده است که بومیان برای وی احترام فوق‌العاده‌ای قائل بوده‌اند و در روز عید نوروز، با هدایایی به نزد او شتافته و آئین نوروز را در مقابل وی و درباریان اجرا می‌کرده‌اند. علاوه بر مراسم مورد اشاره، زنان شیرازی الاصل در سواحل شرق آفریقا نیز همزمان با عید نوروز، رقصی به نام رقص باروری برای می‌کنند. البته با وجود تحقیقات میدانی، کاملاً مشخص نیست این حرکات موزون نمایشی چه زمانی وارد سواحل شرق آفریقا شده است؛ ولی بومیان معتقدند این رقص، مبدأ ایرانی دارد. زنان شیرازی الاصل در طی این رقص، بهترین لباس‌های خود را بر تن می‌کنند، شاخ‌گاوی را در دست چپ خود می‌گیرند و زنگ‌هایی کوچک به قوزک پای خود می‌بندند. این رقص موسوم به امسانجه msanje است و براساس آداب و رسوم اسلامی، مردان اجازه حضور در این رقص و حتی تماشای آن را ندارند. بومیان مجمع‌الجزایر زنگبار معتقدند که همزمان با فرارسیدن عید نوروز، بادهای موسوم به کوسی Kusi شروع به وزیدن می‌کنند و فصل کشاورزی مشهور به امتاما Mtama آغاز می‌شود. در این فصل، هوا سرد و خشک بوده و فرصت مناسبی برای تفریح و لذت بردن از طبیعت به شمار می‌رود. تقویم بومیان آفریقا ۳۶۵ روز است و آنها توجه‌ای به سال کبیسه و یک چهارم روز در هر سال نکرده‌اند لذا این به معنی آن است هر چهار سال یک بار یک روز و هر ۱۰۰ سال، ۳۳ روز را ازدست داده‌اند و از تقویم هجری شمسی فاصله گرفتند به همین خاطر درحال حاضر جشن نوروزی در زنگبار در ماه آگوست برگزار می‌شود.

# جوانان پارسی از چگونگی برگزاری نوروز می گویند

## نوروز ایرانی در میان پارسیان هند

آریا جواهردی



بهراد می گوید جشن نوروز دوبار از سوی پارسیان هند جشن گرفته می شود و جشن نوروزی که با نوروز ایرانیان در یک زمان است از سوی پارسیانی برگزار می شود که از تقویم «فصلی» استفاده می کنند.

سرناز از پارسیان دهلی است، او درباره ی سفره ی نوروزی ایرانیان زرتشتی در نوروز می گوید: «این سفره به مدت سه تا چهار روز پهن می شود و گاهی تا ۱۰ روز هم ادامه پیدا می کند. در این سفره میوه ی خشک شده، شراب، پنیر، میوه ی تازه، شیرینی، نان خانگی، عکس اشوزرتشت، چراغ روغنی و تاج گل گذاشته می شود. برخی از خانواده ها نیز صنایع دستی پارسی را بر روی در خانه برای خوشامدگویی نصب می کنند.»

بناز که از پارسیان گجرات است درباره ی محتویات سفره و تفاوت آن با سفره ی هفت سین ایرانی می گوید: «ما هفت چیز را بر روی سفره می گذاریم، برخی از اجزای سفره به مانند هفت سین ایرانی است مانند سیر و سکه اما شیرینی به نام «ماوی» که به شکل ماهی است در سفره ی نوروزی ایرانی نیست، این شیرینی از شیر تهیه می شود.»

بهراد هم در این زمینه می گوید برخی مجسمه ی ماهی به کار می برند که او فلسفه ی ماهی در سفره ی نوروزی

می کند، سرناز نیز بسیاری از مواقع سال را در هند می گذراند و ساکن اصفهان است اما بناز که دانشجوی رشته ی بانک داری است تاکنون تجربه ی سفر به ایران را نداشته است.

بهراد که جوانی تحصیل کرده است از پارسیان بمبئی هند محسوب می شود، او در آغاز درباره ی تفاوت برخی از پارسیان می گوید: «گروهی از زرتشتی های ایرانی که در بمبئی زندگی می کنند از زمان قاجار به این کشور آمده اند و با پارسیانی که از زمان حمله ی اعراب آمده اند تفاوت دارند.»



نوروز را می توان مهم ترین جشن ایرانیان برشمرد، جشنی با پیشینه ی چند هزار ساله که نه تنها در ایران بلکه در کشورهایی که تحت تاثیر فرهنگ ایرانی نیز بوده اند برگزار می شود.

کشور هند که در گذشته به عنوان همسایه ایران به شمار می رفت یکی از آن کشورهایی است که جشن نوروز در آن از سوی گروه کوچکی از ایرانیان جشن گرفته می شود اما تفاوت آن با دیگر کشورها از جمله ایران در این است که نوروز دوبار در این کشور جشن گرفته می شود.

گروهی از پارسیان هند که در زمان حمله ی اعراب به این کشور مهاجرت کرده اند تقویم رسمی خود را «شاهنشاهی» می دانند که بر مبنای این تقویم نوروز به میانه ی تابستان و ماه امرداد و آگوست می رسد اما برخی پارسیان هند از تقویم «فصلی» استفاده می کنند که به مانند تقویم ایرانی است و در آن نوروز به مانند ایرانیان در آغاز فصل بهار است.



جدید مراسمی به نام «چهارشنبه‌سوری» برگزار نمی‌کنند اما مراسم پنج روز آخر سال یا همان پنج روز پنجه از سوی آن‌ها برگزار می‌شود با این تفاوت که مراسم برپایی آتش برگزار نمی‌شود.

نظر بناز درباره‌ی این مراسم که پارسی‌ها به آن «موختاد» می‌گویند این گونه است: «این مراسم برای پارسی‌ها ۱۰ روز است و یادآور بازگشت «فروهر» در گذشتگان است.» بهراد اما این آیین را پنج روزه می‌داند و می‌افزاید که این آیین در آتشکده‌ها و برپایی سفره‌های گل و خوراکی برگزار می‌شود.

بنا بر باور زرتشتیان و پارسیان در پنج روز آخر سال فروهر در گذشتگان به خانواده‌های خود سرکشی می‌کنند از این رو خانواده‌ها به خانه‌تکانی می‌پردازند و خود را آماده‌ی پذیرایی از فروهرها می‌کنند. بهراد می‌گوید که پارسیان هند رسمی به نام «خانه‌تکانی» ندارند اما روز قبل از نوروز این کار را انجام می‌دهند.

جشن دیگری که در میانه‌ی نوروز و بسیار با اهمیت برای زرتشتیان است ششم فروردین است. بنا بر باور زرتشتیان در این روز اشوزرتشت، زاده می‌شود و پس ۳۰ سال به پیامبری برگزیده می‌شود. پارسیان پیرو تقویم فصلی این جشن را «خورداد سال» می‌گویند.

نوروز برای بیشتر پارسیان هند در میان تابستان و ماه امرداد است سرناز ویژگی نوروز شاهنشاهی را این گونه می‌داند: «این جشن ۱۰ روز پیش از آغاز نوروز با گات‌ها خوانی آغاز می‌شود و در این مدت گل‌ها را در گلدان می‌گذارند و آن‌ها را آدریان‌ها می‌برند و در آن ۱۰ روز در آن جا نگهداری می‌کنند.»

او جشن نوروز پارسیان را بیشتر همراه با موزیک و نمایش پارسی می‌داند. برگزاری جشن سال نو در خارج از مرزهای ایران در هر زمانی که باشد، ریشه‌های مشترکی دارد که باعث می‌شود، به همبستگی میان خودمان افتخار کنیم.



پس از آن از مهمان‌ها با میوه پذیرایی می‌شود.» سرناز می‌گوید که برخلاف ایرانی‌ها پارسیان هدیه و عیدی در هنگام دید و بازدید نمی‌دهند.

برخلاف سرناز، بناز می‌گوید که در هنگام بازدید نوروزی خانواده‌ها به یکدیگر شیرینی و هدیه می‌دهند.

روز نخست سال جدید در ایران همراه با نیایش در آتشکده‌ها و نیایشگاه‌ها است بناز در این زمینه می‌گوید که در روز نخست به نیایشگاه «آتش بهرام» می‌رود همچنین بهراد می‌گوید که در شهر بمبئی چهار نیایشگاه «آتش بهرام» وجود دارد و حتی پارسیانی که نوروز را در تاریخ ۲۱ مارس جشن نمی‌گیرند نیز در این روز به زیارت نیایشگاه‌های «آتش بهرام» می‌روند.

سرناز و بهراد تاکید می‌کنند که پارسیان «سیزده‌به‌در» ندارند و پیش از آغاز سال

پارسیان را به خاطر این می‌داند که ماهی نماد «آبان ایزد» یا ایزد «آناهیتا» است و پارسیان به آن اعتقاد بسیار دارند. او در این زمینه اشاره می‌کند برخی بانوان پارسی در آغاز نوروز با پودر گچ شکل ماهی را در جلوی در ورودی خانه می‌کشند.

او اجزای سفره‌ی نوروزی را این گونه می‌داند: «سفره‌ی نوروزی مخصوصی نداریم، برخی سفره‌ای پهن می‌کنند و در آن عکس اشوزرتشت، چراغ روغنی، شراب، گل، شیرینی و خرده اوستا می‌گذارند.»

از آنجایی که پارسیان در نقاط مختلف هند زندگی می‌کنند در برخی رسوم و آیین‌ها تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند نکته‌ای که بهراد نیز به اشاره می‌کند و می‌افزاید پارسی‌های کراچی پاکستان و گجرات سنتی تر هستند.

برخی از رسم‌های ایرانیان و پارسیان برای نوروز مشابه است برای نمونه سرناز درباره‌ی خوشامدگویی از مهمانان در هنگام نوروز می‌گوید: «از مهمانان و فامیل که دیدن یکدیگر می‌روند با گلاب و آینه استقبال می‌شود، مهمان خود را در آینه می‌بیند و آرزو می‌کند



## برای یادگیری زبان فارسی نیاز به کلاسی نیست

آریا جوانمردی

از واژگان زبان‌های اروپایی در زبان فارسی رفتیم. وام‌گیری زبان فارسی از عربی هنگامی رواج داشت که ایرانیان در ارتباط با حکومت‌های عربی بودند و ایران جزئی از خلافت عربی بوده است پس از آن ایرانیان درگیر دوره‌ی استعمار غرب می‌شوند که در آن نفوذ واژگان اروپایی بیشتر به چشم می‌آید.

سره‌نویسی زیباست  
سره‌نویسی در زبان فارسی مخالفان و موافقان سرسختی دارد اما احسانی تلاش می‌کند تا موضعی بی‌طرفانه نسبت به آن داشته باشد، او در این باره می‌گوید: «بررسی متون کهن فارسی نشان می‌دهد که سبک نوشتاری نویسنده‌های گوناگون تفاوت چندانی ندارد، اکنون نیز نویسندگانی داریم که

آموزش زبان فارسی در خارج از کشور دارد. همچنین او بر این باور است که زبان فارسی و عربی از گذشته تاکنون با یکدیگر در پیوند بوده‌اند. احسانی چند سالی را در کشور کانادا به تحصیل و تدریس نیز مشغول بوده است از این رو می‌توانست در زمینه‌ی آموزش زبان فارسی در خارج از ایران نکاتی را اشاره کند.

ادبیات دستگاه قضای ایران سرشار از واژگان عربی است  
آزاده احسانی در آغاز گفت‌وگو اشاره می‌کند که وام‌گیری زبان فارسی در آغاز از زبان عربی بوده و پس از آن واژگان فرانسوی و انگلیسی وارد زبان فارسی شده‌اند او در این زمینه می‌گوید: «واژگانی که از زمان کهن وارد زبان فارسی شده‌اند عربی هستند. این گونه واژگان از سوی برخی بزرگان زبان و ادب فارسی مانند سعدی و حافظ نیز استفاده شده‌اند پس می‌توان گفت استفاده از آن‌ها ناشایست نیست، اما در دوران مدرن جریان کمی فرق می‌کند و می‌بینیم که استفاده از واژگان انگلیسی و فرانسوی در حال گسترش در زبان فارسی است.»

احسانی گذری هم به ادبیات دستگاه قضایی ایران می‌زند: «در گذشته می‌دیدیم که برای نمونه ادبیات دستگاه قضایی و حقوقی ایران از واژگانی سراسر عربی سود برده است، ادبیات قضایی ایران حدوداً در دوره‌ی «قاجاریه» پدید آمده است و کلمات حقوقی به کار رفته در آن نیازمند بازنگری است. در زمینه‌ی ادبیات فارسی به نظرم واژگان عربی که از سوی شاعران بزرگ ما مانند «سعدی» به کار رفته است نیازی به

کم نیستند ایرانیانی که روزگار خود را خارج از کشور می‌گذرانند، از آمارهای هفت هشت میلیونی تا ۱۰ میلیون تعداد ایرانیان خارج از کشور متغیر است. یکی از نگرانی‌های همیشگی ایرانیان خارج از کشور و به ویژه جمعیت یک میلیونی ایرانی در آمریکا پاسداری از زبان فارسی، هویت و پیشینه‌ی ایرانی است. این دغدغه از سوی برخی از ایرانی‌های خارج از کشور جدی گرفته نمی‌شود از این رو برخی با این سوال روبه‌رو شده‌اند که چه راه‌هایی برای آموزش خط و زبان مادری خود به فرزندان‌شان دارند.

یکی از شیوه‌های نگارشی که از سوی برخی فارسی‌زبان‌ها به کار می‌رود «سره‌نویسی» یا همان عدم استفاده از واژگان عربی یا لاتین است، شیوه‌ای



از سره‌نویسی به شکل اصولی استفاده می‌کنند و تصنعی آن را به کار نمی‌برند. سره‌نویسی همیشه در طول تاریخ بوده است و ادامه پیدا خواهد کرد و سبک نوشتاری نویسنده‌های گوناگون را نشان می‌دهد. آسیبی که اکنون زبان فارسی را تهدید می‌کند از جانب اعراب نیست بلکه زبان کشورهای اروپایی است که نفوذ زیادی در فارسی داشته‌اند چون اکنون پیوندی از نظر زبانی میان فارسی و عربی وجود ندارد.»

احسانی درباره‌ی شیوه‌ی تاثیرگذاری زبان‌ها بر یکدیگر می‌گوید:

موضع گرفتن ندارد و می‌توان از آن‌ها استفاده کرد.  
وجود واژگان عربی در زبان فارسی پدیده‌ی جدیدی نیست  
احسانی که دانش‌آموخته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه علامه طباطبایی است وجود واژگان عربی در زبان فارسی را عجیب نمی‌داند و آن را ناشی از پیوندی دیرینه می‌داند؛ او می‌گوید: «دیدگاه من درباره‌ی پیوند زبان عربی و فارسی بدین گونه است که در آن هر دو زبان از یکدیگر تاثیر پذیرفته‌اند و تنها زبان فارسی نبوده است که واژگان عربی را به خود راه داده است. این پیوند از دوران هخامنشی وجود داشته است، هنگامی که ایرانیان با زبان «آرامی» پیوند برقرار کردند پیوند زبان‌های ایرانی و سامی برقرار شد؛ از این رو واژگان عربی موجود در زبان فارسی پدیده‌ی جدیدی به حساب نمی‌آید.»

او می‌افزاید: «مورد دیگری که شایان گفتن است، این که زبان فارسی به تازگی از عربی واژه‌ای را نگرفته است و آخرین دوره‌هایی که زبان فارسی وام‌گیری از عربی داشت باز می‌گردد به زمان قاجار و پیش از آن، پس از این دوره به سمت استفاده

از زبان که مخالفان و موافقان سرسختی دارد. گروهی سره‌نویسی را برابر با دشوار کردن نوشته می‌دانند برخی نیز این کار را هم‌سنگ با زنده کردن واژگان اصیل ایرانی می‌دانند. سره‌نویسی برای نخستین بار در زمان جنبش مشروطه به زبان‌ها افتاد. ایرانیانی که در پی یافتن هویت از دست رفته‌ی خود بودند یکی از راه‌های به دست آوردن آن را استفاده از زبانی سراسر فارسی می‌دانستند.

برای بررسی اهمیت سره‌نویسی گفت‌وگویی با آزاده احسانی داشتیم او یکی از زبان‌شناسانی است که دیدگاهی تقریباً بی‌طرفانه نسبت «سره‌نویسی» و



«تأثیرگذاری ایرانیان و اعراب بر یکدیگر در زمانی رخ داد که وسایل اطلاع‌رسانی و رسانه‌ای وجود نداشت و به شکلی طبیعی با یکدیگر ارتباط داشتند. اما اکنون زبان‌ها بسیار سریع بر یکدیگر تأثیر می‌گذرانند و باید هوشیار بود، وگرنه ساختارهایی زیادی از زبان‌های دیگر وارد می‌شود.»

آزاده احسانی در بخشی از گفت‌وگو گذری هم به طنزی از احمد شاملو می‌زند و می‌گوید این موضوع را خود در کشوری خارجی دیده است؛ «این طنز شیوه‌ی گفتار ایرانیان خارج از کشور را نشان می‌دهد که برای نمونه در آن می‌گویند «هانی بلند شو «لیت» شده «جابت» رو «لوز» می‌کنی». من پنج سال در کانادا زندگی کرده‌ام و

خارج از کشور استفاده می‌کنند می‌افزاید: «نگاه کلی نشان می‌دهد که در حدود ۵۰ درصد واژه‌هایی که از سوی ایرانیان خارج از کشور به کار می‌رود انگلیسی است و دستور زبانی که به کار می‌رود فارسی است. بدین معنا که حرف اضافه و حرف ربط فارسی است اما کلمات انگلیسی به کار می‌رود، این کار در واقع پدید آمدن نوعی زبان جدید است.»

همیشه شیوه‌های آموزش زبان برای ایرانیان خارج از کشور دغدغه‌ای مهم بوده است احسانی درباره‌ی تجربه‌ی شخصی خود در این زمینه این گونه اعتقاد دارد: «تجربه‌ای که از زندگی در خارج از کشور داشتم نشان می‌دهد که کسانی بیشتر اهل تماشای فیلم و سریال ایرانی هستند بیشتر با واژگان فارسی آشنایی دارند و با اصطلاحات و کلمات جدید که در فارسی به کار می‌روند آشنایی بیشتری دارند. پیش از این نمونه‌هایی داشتیم که فردی پس از چندین سال زندگی در خارج از کشور به ایران باز می‌گشت اما صحبت‌های جوانان امروزی را به دلیل دگرگونی واژگان و اصطلاحات متوجه نمی‌شد، امروزه این گونه موارد به دلیل پخش سریال‌های اینترنتی و تماشای تلویزیون‌های ایرانی کمتر مشاهده می‌شود.»

این زبان‌شناس هشدار می‌دهد که ممکن است نسل دوم یا سوم ایرانیانی که خارج از کشور زندگی می‌کنند زبان فارسی را بلد نباشند.

خانواده‌ها نیاز به یادگیری زبان فارسی را تعیین می‌کنند

نمی‌داند که چرا باید زبان فارسی را فرا بگیرد. این کودک مقایسه‌ای میان خود و دیگر همسالان انجام می‌دهد و می‌بیند در روزی که باید تفریح کند به مدرسه می‌رود بنابراین نسبت به یادگیری زبان فارسی جبهه می‌گیرد.»

راه کار این زبان‌شناس برای آموزش زبان فارسی این گونه است: «باید کمی به کودکان نیز حق بدهیم و آموزش زبان را در خانه انجام دهیم. برای نمونه کودکی بود که در ایران تا کلاس سوم دبستان توانست درس‌های خود را در خانه با نمره‌ی عالی بگذراند پس این شیوه آموزش می‌تواند در کشورهای خارجی نیز امکان‌پذیر باشد. خانواده‌ی ایرانی می‌تواند روزی یک ساعت در خانه با کمک بازی و سرگرمی زبان



اگر برای کسی که در خارج از کشور نباشد این موضوع تعریف شود بیشتر به مانند شوخی می‌ماند اما بسیاری از ایرانیان این گونه صحبت می‌کنند. حرف زدن به این شیوه برای من بسیار عجیب بود و زبان‌شناسان می‌توانند علت این کار را بررسی کنند. ایرانیان خارج از کشور برخی واژه‌ها را جایگزین کلمات فارسی می‌کنند، باید بررسی شود که چه واژه‌هایی جایگزین می‌شود و درباره‌ی آن‌ها تحقیق شود که چرا برای نمونه به جای واژه‌ی «شغل» از «جاب» استفاده شده است.»

او درباره‌ی ساختار زبانی که ایرانیان

برای بسیاری از ایرانیان خارج از کشور حفظ هویت ایرانی با اهمیت است، یکی از راه‌های این کار یادگیری زبان فارسی است؛ از آزاده احسانی درباره‌ی ضرورت یادگیری زبان فارسی می‌پرسیم و او می‌گوید: «علاقه‌ی من این است که هر ایرانی در هر جایی که زندگی می‌کند پیشینه، ادبیات و فرهنگ خود را بشناسد. اما خانواده‌هایی که خارج از ایران زندگی می‌کنند بهتر می‌توانند به این سوال پاسخ دهند که آیا زبان فارسی یک نیاز است یا خیر. خانواده‌هایی را دیده‌ام که فرزندان خود را به مدرسه‌های ایرانی می‌فرستادند که در آن کتاب‌های درسی آموزش و پرورش ایران تدریس می‌شود، برای این خانواده‌ها یادگیری زبان فارسی که در ایران آموزش داده می‌شود اهمیت داشت از این رو فرزندان خود را در روز تعطیل به مدرسه‌ی ایرانی و زبان فارسی می‌فرستادند اما این کار نیز دارای مشکلاتی است.»

احسانی درباره‌ی مشکلات یادگیری زبان فارسی خارج از کشور هم سخن می‌گوید: «کودکی که در خارج از ایران متولد شده است آگاهی نسبت به این اصرار خانواده‌ی خود برای یادگیری زبان فارسی ندارد و نوعی نفرت در او ایجاد می‌شود چون

فارسی را آموزش دهد، فشاری که به کودک در هنگام حضور در کلاس‌های آموزش زبان وارد می‌شود بسیار بیشتر از زمانی است که او در خانه زبان را با بازی فرامی‌گیرد.»

آزاده احسانی گفته‌های خود را با هشدار به خانواده‌های ایرانی به پایان می‌برد: «اگر جدیتی از سوی خانواده‌های ایرانی خارج از کشور در زمینه‌ی آموزش زبان فارسی نباشد، شوربختانه باید دورنمایی را برای خود تجسم کنند که در آن نوه‌ای نمی‌تواند با مادر بزرگش فارسی صحبت کند.»

# موسیقی در ایران باستان و آیین زرتشت

نوشته ی شیدا عباسی

شاید به وسیله ی هیچ هنری به اندازه ی شعر و موسیقی نتوان برخی از احساسات درونی را به تصویر کشید.

هیچ هنری به این اندازه وسیع و پرتوان نیست که تمامی احساسات و تمایلات بیننده را برانگیزد

در واقع آن زمان که نگارگری، حکاکی، نقاشی، ... توان بیان احساسات هنرمند را ندارند، شعر و موسیقی سر بر می آورند. این است که موسیقی هنری بس ارزشمند و در بسیاری از سرزمین ها و آیین ها هنری مقدس شمرده می شود. در ایران باستان موسیقی قدمتی چند هزار ساله دارد

در این که زیربنای موسیقی ایرانی آیین زرتشت است، هیچ شک و تردیدی نیست. مسلما فرهنگ آیینی زرتشت فراز و نشیب های بسیار در طول تاریخ داشته و مسلمانان تأثیرات بسیاری از فرهنگ های بیگانه دریافت کرده است. در حال حاضر

اطلاعات بسیار اندکی در مورد موسیقی ایران باستان و آیین زرتشت در دست است. تنها روایات اندکی گواه بر قدمت فرهنگ و هنر ایران موجود است. روایاتی که حاکی است موسیقی مذهبی کلیسا، ریشه در آیین زرتشتی دارد و انتقال آن از طریق موبدان زرتشتی به اروپا صورت گرفته است که در این زمینه نیز تحقیقات وسیعی توسط بزرگان موسیقی ایران، صورت گرفته است. تحقیق و بررسی درست این موضوع در جامعه ای که صدها سال است مورد اصابت سخنان تند و بی مغز قرار گرفته و فرهنگ تا حدودی فراموش شده دارد، کار ساده ای نیست.

باید اضافه کرد که هرگز نمی توان فرهنگ موسیقایی را از فرهنگ مردمان ایران جدا پنداشت. در مراسم های آیینی مسلمانان ایرانی نیز این نشانه بسیار دیده می شود. پس از اسلام سینه زنی و طبل و سنج کوبی به عنوان یکی از ریشه های موسیقی غربیان مورد توجه قرار گرفت. هنگامی که پاپ گریگوری در زمان ماه محرم به ایران آمد و این مراسم را مشاهده کرد، شروع به بررسی موسیقی دوصدایی در اروپا و موسیقی غربی کرد. - اگر به موسیقی ایرانی ارزش گذاشته می شد، چه بسا همچنان مورد توجه جهانیان قرار میگرفت. بنابراین با توجه به این مسئله می توان با اطمینان کامل صحت این مطالب را پذیرفت.

موسیقی در واقع برخاسته از شور و تمایل آدمی است. انسان در واقع در طول تاریخ از ریتم و ملودی به عنوان ابراز احساسات درونی چه در شادی و شغف و جشن و سرور و چه در غزا و ناله، سود می جسته است. شادی از خصوصیات ایرانیان است و این شادی در آیین زرتشت به صورت یک اصل درآمده. به قدری که در هفتین یشت شادی نکردن گناه به شمار می آید و به خاطر آن باید از ایزد طلب بخشش کرد. در مینوی خرد هم، سرزمینی که در آن ناله و زاری کنند را زمین تباهی میگویند. در گاتاها بارها



از پایکوبی و بزم سخن گفته شده است. پس همانطور که مشاهده می کنید، موسیقی هرگز از فرهنگ ایرانیان جدا نبوده است. جشن های متعددی در فرهنگ ایرانیان وجود داشته که مسلما شادی این جشن ها با موسیقی و آواز و رقص همراه بوده است. بی شک هنگامی که از شادی و پایکوبی نام می بریم، بر وجود موسیقی نیز گواه ایم. چرا که در جشن ها و پایکوبی ها ضرب و وزن پدیدار می شود. بیش از بیست مراسم شادی در میان مراسم های زرتشتیان وجود داشته که با بررسی تک تک آنها، گواه مسلم بر صحت این مطلب را باز می یابیم. هرچند تعداد این جشن ها تقلیل یافته است ولی همچنان جشن هایی چون جشن سده، مهرگان، یلدا، زنان پنجه (چهارشنبه سوری)، طبیعت (سیزده به در)، ... از مهم ترین و اصیل ترین جشن های آریاییان شمرده می شوند. برای مثال در شب یلدا حافظ خوانی اهمیت ویژه ای دارد. نوروز نیز که امروزه از مهم ترین جشن های آریاییان است همیشه با حافظ خوانی همراه است. نوروزخوانی نیز که خوانش اشعار در ارتباط با نوروز و به صورت آوازگونه است، تا چندین دهه پیش در ایران رایج بوده است. همچنین گروه های کوچکی به نام نوروزنثاران یا نوروزخوانان وجود داشتند که از نوازندگان دوره گرد تشکیل شده اند که ترانه های کوتاه با مضمون نوروز و آرزوی شادی در سال نو میخوانند. نمونه ی دیگر حاجی فیروز است که با چهره ای سیاه و لباس قرمز یا رنگارنگ و کلاهی بر سر به همراه داریه (دایره زنگی) به آواز اشعار می پرداخت که موجبات شادی مردم را فراهم آورد.

همانطور که مطلعیم، موسیقی در ایران از قرن دوم و سوم هجری حرام شد و دیگر هنرها نیز به مدت چندین قرن به دست فراموشی سپرده شدند. در حالی که تا پیش از آن موسیقی دانانی چون نکبسا و رامتن وجود داشتند و بعدتر یاربد که آخرین استاد



موسیقی پیش از اسلام شمرده می شود که از نواغ هنری دوره ی ساسانیان بود. در دوره ی هخامنشیان، هنگام تاجگذاری داریوش، دختران جوان از شهرهای مختلف به مرکز پادشاهی آمده و آواز سر می دادند.

به دوران نوزایی موسیقی در ایران بازمی گردیم. زمان فیثاغورث و هنگامی که با اختلاف چندین قرن، اولین شناخت ها از موسیقی یونان باستان به دست می آید. از آغاز موسیقی خسروانی یا سرود نیک ایران تا آن زمان حدود ۶۵۰۰ سال گذشته بود که یونانی ها با موسیقی آشنایی پیدا کردند. اما سند دو هزار و پانصد ساله ی موسیقی یونان باستان برخلاف سند موسیقی ایران باستان همچنان موجود است. به این دلیل که کتابخانه های یونانیان به دست اسکندر مقدونی در آتش نسوختند. همچنان در دیگر نقاط دنیا چون هند یا مصر باستان که مجسمه هایی به شکل نوازندگان بسیار دیده می شوند. که حدودا مربوط به زمان میلاد مسیح می باشند نکته ی دیگر مربوط به موسیقی کلاسیک غربی است. یکی از تن های موسیقی غربی تن ماژور است. «ماژور؛ همانطور که موسیقی دانان ایرانی و غربی یافته اند، منطق بر گام «ماهور» ایرانی است که طبعاً شباهت های آنان در حوزه ی موسیقی به صورت شفاف تری بررسی شده است.

در مورد دوران اشکانیان می توان گفت آموزش نوای خوش یکی از مواد آموزشی مکتب خانه ها بوده است که سند این گفته را در کارنامه ی اردشیر بابکان می توان یافت که در زمان ساسانیان نوشته شده و حاوی روایاتی از اواخر دوره ی اشکانیان نیز می باشد

اردشیر به ستورگاه می نشست و تنبور می نواخت، سرود می خواند و شادی می آفرید...

در رساله ی مختصر خسروکواتان و ریدک

بحث نهم انوشیروان با ریدک درباره ی خنیاگری است.

ریدک در مورد رقص و نوازندگی سخن می گوید و می گوید به خوبی چنگ می نوازد. جالب است بدانید که از تنبور، چنگ، بربط، نای، دمبک و ... سخن می گوید.

متأسفانه اطلاعات کافی در مورد موسیقی در زمان مادها در دست نیست ولی شواهد نشان می دهند که در این دوره موسیقی گسترش قابل توجهی به ویژه در مراسم مذهبی آریایی ها داشته است هرودوت مورخ معروف یونان باستان می گوید: روحانیون زرتشتی در دوره ی هخامنشی نیایش های مربوط به خدایان را با آواز همراهی می کردند؛ با توجه به بررسی های موجود اوستاخوانی هرگز با ساز همراه نبوده است.

نکته ی دیگر آنکه آیین یارسان یا اهل حق، نشانه های دور از آیین های ایران باستان خود دارد. می توان گفت تنبور، سازی بسیار اصیل است که احتمالاً در مراسم مذهبی هم به کار می رفته است.

همچنین نگاره هایی مربوط به سده های یازدهم تا هفتم پیش از میلاد در شوش وجود دارد



که نشان صحت این مطلب است.

از دلایل دیگر وجود موسیقی در ایران باستان، وجود خط های مختلف در دوره های مختلف تاریخی است که حاکی اطلاعاتی در این زمینه هستند. «دین دبیره؛ خطی است که زرتشتیان در دوره ی ساسانیان برای نگارش به وجود آوردند که نزدیکی زیادی به پهلوی دارد و از الفبای زبوری گرفته شده است و همچنین اوستا به آن زبان است. «دین دبیره؛ در واقع همان خط اوستایی است با نگارش اوستایی که ۴۸ حرف دارد که شامل حروف با صداهای بلند و کوتاه می باشد و زبان شناسان آن را از کامل ترین زبان های دنیا می دانند. و در واقع راز زیبایی نغمه های اوستا نیز در دل همین کوتاه و بلندی ها نهفته است.

بخش اصلی اوستا که همان گاتاها است مجموعه ای از اشعار است که آوازگونه خوانده می شود و حتی در مورد آوازگونه خوانده شدنش بارها توصیه شده است که باید با لحن سرایش و گویش اشوزرتشت و با آواز زیر (سوپرانو) خوانده شود. همانطور که می گویند: «زرتشت.... گاتاها سرود!»

از اوستاخوانی در زمان های بسیار دور اطلاعاتی در دست نداریم ولی برخی از موبدان کنونی بر این باور هستند که در زمان های بسیار دور اوستاخوانی احتمالاً با سازهایی چون تار و سه تار و تنبور انجام می شده است. اما توجه به بررسی های صورت گرفته هنوز نمی توان با اطمینان از حقانیت این گفته سخن گفت. تنها احتمال قوی تر آن است که این سرودها با سازی چون دایره انجام می شده است. در حال حاضر با ابتکاری که توسط کانون دانشجویان دیندار زرتشتی و سازمان فروهر انجام گرفته، اوستاخوانی با همراهی ساز انجام می گیرد. در خوانش این سرودها نوعی نزدیکی به دستگاه های موسیقی ایرانی مشاهده می شود. اوستا حداقل بر روی

می توان از آن بهره برد. اندیشمندان سخن پرور این سرزمین به این منظور که کلامشان موثر تر باشد و برای اینکه سخن و اندیشه شان را به بالاترین حد خود برسانند، آن را با بیانی غزل گونه و در قالب شعر بیان می کردند. و به راستی چه زیبا این مهم را به انجام رسانده اند.

**شیدا عباسی** متولد ۱۳۶۵، فارغ التحصیل موسیقی و نوازندگی پیانو از دانشکده ی هنر و معماری تهران مرکز و تعلیم یافته ی آهنگسازی در مدرسه ی موسیقی مدرن ایتالیا و کارشناسی ارشد موسیقی از دانشگاه رم، است.

وی محقق موسیقی درمانی است و هم اکنون در حال انتشار مقالاتش در زمینه ی تأثیرات موسیقی درمانی بر کودکان با اختلالات روانی و همکاری با مراکز موسیقی درمانی در ایالت واشینگتن امریکا است.

مقاله ی وی با عنوان «موسیقی در ایران باستان و زمان زرتشت؛ در سال ۲۰۰۹ نوشته شده است و در سال ۲۰۱۴ به زبان ایتالیایی در دانشگاه رم ایتالیا توسط وی معرفی شد.

این مقاله بخشی از مقاله ی وی با همین عنوان می باشد؛



را به آسانی می شود از بر کرد. سروده های مینوی گاتاها از همان بدو نشر و ریشه دواندنش در زمان خود، همین میزان واژه، بیت، بخش و همین تعداد سرود را دارا بوده است. این است که گاتاها را یکی از کهن ترین نمونه های قدمت آهنگ و ترانه می نامند.

واژه ی «گاتاها» که مورد دگرگونی و تغییرات بسیار بوده است، به نام «گاه» نیز خوانده می شود. این به آن دلیل است که نام دستگاه «یا دستان گاه» و سه گاه و چهارگاه و راست پنجگاه هنوز بر زبان موسیقی دانان ایرانی میگذرد. در واقع گاتاها با قدمتی حدود ۳۵۰۰ سال، حکایت از هماهنگی کامل شعر و موسیقی در آن دوران می کند.

دیگر ادبیات ایران نیز در طول این سالها کمک شایانی در زنده نگه داشتن فرهنگ این مرز و بوم کرده است. مهم ترین اثری که می توان نام برد شاهنامه ی فردوسی است. فردوسی اندیشمند و شاعر پارسی سرای ایران با نظم شاهنامه ادبیات پارسی را دوباره زنده کرد. ادبیاتی که در کمک به موسیقی های حماسی و غیره نیز نقش به سزایی داشت. برای مثال در موسیقی ورزش باستانی ایران که ورزش مقدس ایرانیان بوده است. خود شاهنامه گواهی بر اصالت و کهن بودن ورزش باستانی ایرانیان دارد. ملودی های زورخانه ای در گذشته با سازهایی مانند تار و سه تار و نی اجرا می شدند ولی امروزه آواز در زورخانه تنها با ضرب همراه است و غالباً هر دو توسط مرشد اجرا می شدند. مرشد حامل مهم ترین نقش در ورزش باستانی است زیرا که باید ضرب نوازی چیره دست و خواننده ای خوب و توانا باش. در حقیقت هماهنگی شعر، ریتم، با شعر و موسیقی کار ساده ای نیست.

می توان همینطور از «گرشاسب نامه» ی حکیم اسدی طوسی نام برد که مهم ترین اثر بعد از شاهنامه است. دقیقی با «خدانامه» به گردآوری و نگارش شاهنامه ی فردوسی کمک کرد. همچنین هنرمندانی چون فارابی که در زمینه ی موسیقی به رشد فرهنگ ایران زمین کمک کرد.

بی شک و تردیدی می توان گفت ادبیات ایران (پارسی پهلوی اوستایی) کهن ترین و کامل ترین ادبیات جهان است. هیچ سرزمینی همانند ایران به این اندازه دارای شاعر و ادیب و عارف نمی باشد. نظم و نثر در ادبیات ایران چنان گسترده است که برای بیان هر موضوعی

دو دستگاه موسیقی ایرانی که شامل سه گاه و چهارگاه است، خوانده می شود. این موضوع با بررسی نوارهای ضبط شده اوستاخوانی اوستاخوانان بزرگ در چندین سده ی اخیر به درستی مشاهده می شود که خواندن اوستا بر روی آنها بسیار دلنشین است.

به گفته ی موبد پدرام سروش پور:

یسا شامل روحانی ترین نیایشهای دین زرتشتی است. که سالها موبدان و زرتشتیان در آیین های گوناگون دینی به سرایش آن می پرداختند. از جمله مهمترین این مراسمها یسناخوانی بود که همزمان با آیین های آغازین گهنبار صورت می گرفت. که به این کار «یزشنه کردن» نیز گفته می شد.

همچنین یشت معنی آواز یا نیایش آواگونه را دارد. زمزمه کردن یا آهسته خواندن گاتاها از نظر زرتشتیان اهمیت ویژه ای دارد به طوری که گفته شده: هرگاه کسی گاتاها را با آواز بخواند و یا مانع آن شود که کسی آن را با آواز بخواند مرتکب گناه بزرگی شده چون خود این سروده ها موزون و آهنگین سروده شده اند. این شعرگونه بودن باعث شده اوستا در طول تاریخ دست نخورده باقی بماند. چون ترکیب نظم به آسانی به هم ریخته نمی شود و دلیل دیگر اینکه شعر



# نوروز فرصتی برای آشنایی بیشتر مردم جهان با فرهنگ ایرانی

بهنام مرادیان

(پژوهشگر فرهنگ زرتشتی)

در نتیجه با مقدار کمی گندم و غلات و حتی دانه‌های دیگر، مانند سیب و ... گلدان‌های کوچک سبزی داریم که هم سبزه پایدار و بادوامی خواهند بود و هم می‌توانیم به عنوان یک یادگاری از نوروز به همسایه‌هایمان بدهیم.

انجمن‌ها و نهادهای زرتشتی نیز با توجه به امکانات و زمینه‌های گسترده‌تری که دارند می‌توانند جشن‌های همگانی‌تری برای نوروز و سال نوی خورشیدی برگزار کنند و زمینه را برای آشنایی بیشتر مردم دیگر کشورها با فرهنگ

اما جشن‌های آغاز سال نو در جهان امروز، تنها یک مناسبت درون یک فرهنگ نیست. بلکه زمانی برای ارتباط فرهنگ‌های مختلف است. همانطور که وقتی دو نفر با هم آشنا می‌شوند و از هم درباره سن هم و یا زمان تولد هم می‌پرسند، جشن آغاز سال نوی هر فرهنگی می‌تواند یک نقطه برای ارتباط و اشتراک فرهنگی باشد.

نوروز به عنوان آغاز اعتدال بهاری و آغاز نوی خورشیدی زمان مناسبی است برای بیان ارزش‌ها و آرمان‌های فرهنگ ایرانی-زرتشتی. در شرایطی که نگاه‌های متضاد و دوگانه‌ای درباره ایران و ایرانیان وجود دارد و شرایط اجتماعی و سیاسی ویژه‌ای بر جهان فرمانروا است، نوروز می‌تواند زبان مشترک و نقطه مناسبی برای آغاز یک گفتگو و داد و ستد فرهنگی میان ایرانیان و دیگر مردمان جهان باشد.

هر چند نویسنده این نوشته، خود ساکن ایران است اما احساس می‌کنم شاید بیشتر خوانندگان آن ایرانیان و زرتشتیان ساکن کشورهای غربی باشند. پس شاید بهتر باشد در این باره بیشتر سخن بگوییم که چگونه می‌توانیم از نوروز بهره‌جوییم برای اینکه

زمان، عمر و هر چیزی شبیه این برای ما انسان‌ها مهم است. چون مدام آن را اندازه می‌گیریم و برایمان مهم است که چه قدرش را داریم و چه قدرش را پشت سر گذاشته‌ایم. برای همین هم جشن زادروز می‌گیریم. آغاز سال هم یک نوع جشن زادروز همگانی است. گویی همه با هم در نخستین روز سال پا به دنیا گذاشته‌ایم و همه پا به پای هم کار و تلاش کرده‌ایم.

هر چند یک سال یعنی چرخیدن یک بار زمین به دور خورشید، اما انسان‌ها در



آشتی و پیوند فرهنگی بهتری میان ایرانیان و میزبانانمان در کشورهای دیگر داشته باشیم.

گاهی ایرانیان برای اینکه بهتر در جامعه میزبان جای بگیرند آن قدر از فرهنگ خود دور می‌شوند که فراموش می‌کنند تنوع فرهنگی نه تنها موجب دور شدن و گسسته شدن افراد از یکدیگر نمی‌شود بلکه مانند کاه‌های درون کاهگل، موجب انسجام و نزدیکی بیشتر افراد می‌شود. ما گاهی آنقدر با شور کریسمس را برگزار می‌کنیم که فراموش می‌کنیم نوروز هم زیبایی‌هایی دارد که اگر آن را به خوبی عرضه کنیم، ما را بیشتر و بهتر با همسایه‌های جدیدمان پیوند می‌دهد.

می‌توانیم همسایه‌ها، دوستان و همکاران غیرایرانی خود را به مانند دیگر اعضای خانواده برای زمان تحویل سال در کنار خوان نوروزی دعوت کنیم و درباره آن گفتگو کنیم و زیبایی‌های فرهنگی آن را نشان دهیم.

یک پیشنهاد دیگر این است که به جای سبزه‌هایی که اکنون سبزی می‌کنیم و البته به نظر من روش آن درست نیست، دانه‌هایی را درون گلدان‌های کوچک سبزی کنیم.

فرهنگ‌ها و کشورهای گوناگون آغاز یک سال را برای خود در زمان‌های مختلف در نظر می‌گیرند؛ سال میلادی، سال خورشیدی، سال چینی و .... هر ملتی برای خود یک زمان را برای آغاز سال و آن جشن زادروز همگانی انتخاب کرده است.

نوروز هم جشن آغاز سال مردمانی است که در بستر فرهنگ ایرانی رشد کرده‌اند و خود را به آن وابسته می‌دانند. به همین دلیل هم گاهی به همه مردمانی که نوروز را برگزار می‌کنند گفته می‌شود: «مردمان حوزه تمدنی نوروز».

ایرانی و نوروز فراهم کنند.

من دانه‌های سیب و چند میوه دیگر را از هم اکنون درون چند گلدان کاشته‌ام تا برای نوروز سبز شوند. امیدوارم گلدان‌های نوروزی شما هم سرسبز و سرزنده باشد و سال نوی خوبی را در پیش داشته باشید. هر روزتان نوروز. نوروزتان پیروز.





## آگهی

به آگاهی می‌رسانیم که هفتمین همایش (کنگره) جهانی جوانان زرتشتی در سال ۲۰۱۹ در کالیفرنیا برگزار خواهد شد. مرکز زرتشتیان کالیفرنیا میزبان این همایش می‌باشد. از همه جوانان زرتشتی که دوست دارند در برپایی این کنگره شرکت کنند درخواست می‌شود به برگزار کنندگان آن در گروه جوانان مرکز: [vwzyc@googlegroups.com](mailto:vwzyc@googlegroups.com) ایمیل بفرستاد.

مجله چهره نما آگهی می‌پذیرد. برای آگاهی بیشتر به مرکز زرتشتیان زنگ بزنید و یا به: [cinfo@czc.org](mailto:cinfo@czc.org) ایمیل بفرستید.

از همه هموندان درخواست می‌شود که هموندی خود را برای سال ۲۰۱۷ نو نمایند. چنانچه نیاز به یاری دارید به مرکز زنگ بزنید.



با سپاس از فرزندان بانو مهرانگیز جم زاده و هوشنگ فرهمند برای همیاری در بخش نودادها و دردسترس گذاشتن فرتورها.

فهرست کارهای انجام شده در سه ماهه گذشته در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا بایاری گروه مدیران:

یکشنبه‌ها برنامه نیایش توسط موبد اشکان باستانی و همراه با نونهالان کلاسهای مرکز برگزار میشود و سپس در پایان آهنگ اشم و هو ویتا هویو ویرو همراه با گیتار شهروز اش و آوای نونهالان کلاسهای مرکز انجام میشود.

- تورنمنت والیبال یکروزه توسط گروه جوانان زرتشتی کالیفرنیا برگزار شد.

- سخنرانی داستانهای شاهنامه فردوسی به زبان ساده توسط فرزانه افشین سپهری در مورد نگاهی به داستان فریدون در شاهنامه و استوره های باستانی در تالار مروارید گیو این مرکز برگزار شد.

- جشن شب چله (یلدا) با همکاری گروه جشنها همراه با نیایش نونهالان کلاسهای مرکز و با خواننده خوش آواخته و دی جی تاها و برنامه های ویژه شب چله در مرکز برگزار شد.

- فرزندان دکتر فرهنگ هلاکوبی - دکتر مهرنگ خزایی و بابک سپاسی در باره انسان و اخلاق در تالار مروارید گیو این مرکز سخنرانی نمودند.

- گروه هنر و موسیقی مرکز زرتشتیان کالیفرنیا نخستین مسابقه و نمایشگاه نقاشی کودکان و نوجوانان زیر ۱۵ سال با جستار (موضوع) جشن سده و پیدایش آتش را همزمان با جشن سده در مرکز برگزار کردند.

- سالروز درگذشت اشوزرتشت در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا با اوستاخوانی موبد آرش کسروی و توسط گروه بانوان در مرکز برگزار شد. در این برنامه کودکان ۷-۱۴ سال در مسابقه دینی شرکت کرده و به برندگان جایزه داده شد.

- جشن آغاز سال نو میلادی ۲۰۱۷ در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا همراه با خواننده پر آوازه نوش آفرین و دی جی و رقص و پایکوبی و پذیرایی شام و شامپاین برگزار گردید.

- گهنبار چهره میدیام گاه که برای پیدایش جانوران و جشن میان زمستان است به گونه همگانی با دهش خانواده ماوندادی بنامگانه روانشاد ایرج جمشید ماوندادی در درمهر برگزار شد. همچنین سال روانشاد مروارید اردشیر امانت گیو نیز در این روز یاد شد.

- جشن سده فرخنده باد - آتش مهر میهن افروخته باد  
جشن سده در روز شنبه ۲۸ ژانویه همراه با آتش افروزی و اوستا خوانی موبدان و برنامه های شادی آفرین توسط گروه جشنها در مرکز برگزار شد. همچنین در این روز گروه نوجوانان مرکز زرتشتیان کالیفرنیا یک کاروان شادی (کارناوال) برای جمع آوری درآمد در مرکز برگزار کردند که در آمد این کاروان شادی برای کمپ تابستانی نوجوانان بکار خواهد رفت.

- گروه زنهارداران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا نشست همگانی برای گزارش مالی سال ۲۰۱۶ را در تالار مروارید گیو این مرکز برگزار نمودند. باشد که با همیاری و همازوری یکدیگر نگهبان دین و آیین خود باشیم.

جشن سپندارمزدگان فرخنده باد. گروه بانوان مرکز زرتشتیان کالیفرنیا جشن سپندارمزدگان (روز زن) را با شرکت شمار زیادی از همکیشان در تالار مروارید گیو این مرکز جشن گرفتند.

پرسه همگانی اورمزد و اسفندماه با اوستاخوانی موبد آرش کسروی در تالار مروارید گیو این مرکز برگزار شد.

کمپ زمستانی گروه آموزش مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برای کودکان ۸-۱۳ سال در مرکز برگزار شد که تمام شب و بامداد روز بعد با نیایش و بازی و رقص و هنر و کاردستی و فیلم برگزار شد.





## اوستاخوانی

- آقای دکتر هرمز جاودانی برای سر سال و بنامگانه روانشاد دکتر شروین خدارحم بهروزیان ۲۰۱ دلار.
- خانم پریچهر سرویان برای سر سال روانشاد دکتر اسفندیار فرخانی ۱۰۱ دلار.
- خانم هما امانی برای سر سال روانشاد بهمن کاووس امانی ۲۰۰ دلار.
- خانم گلنار و آقای هوشنگ روحانی برای سر سال روانشاد بهمن کاووس امانی ۱۰۰ دلار.
- خانم دکتر رویا و آقای دکتر رامبد امانی برای سر سال روانشاد بهمن کاووس امانی ۱۰۱ دلار.
- خانم دکتر مهرناز و آقای دکتر رامین امانی برای سر سال روانشاد بهمن کاووس امانی ۱۰۱ دلار.
- آقای رستم امانی برای سر سال روانشاد بهمن کاووس امانی ۷۰ دلار.
- خانم پروانه ضیائیری برای سر سال روانشاد رشید آبادان ضیائیری ۱۰۱ دلار.
- خانم نازنین عزتی برای سر سال روانشاد سهراب پور عزتی ۱۰۱ دلار.
- خانم دلبر پرخیده برای سر سال روانشاد تیرانداز بمان پرخیده ۱۷۵ دلار.
- دهمند برای سر سال روانشاد اسفندیار رستم فردیان ۱۰۱ دلار.
- خانم گوهر بهدادنیا برای سر سال روانشاد دکتر بهدادنیا ۱۵۰ دلار.
- آقای دکتر سهراب سلامتی پور برای سیروزه مادرشان روانشاد پروین سلامتی ۵۰۰ دلار.
- آقای بیژن شایسته برای سر سال روانشاد اسفندیار داراب شایسته ۱۰۰ دلار.
- خانم پریدخت و آقای هومن کامیار و خانم منیژه و آقای فرزاد کامیار برای سر سال روانشاد فرنگیس کیخسرو منفرد غیبی و هماروانان ۱۵۲ دلار.

## آیین پرسه

- آیین یادبود روانشاد پرسی ایرانی همسر گرامی فرزانه داریوش ایرانی یکی از بنیانگذاران و دهمندان بزرگ این مرکز در تالار مروارید گیلو این مرکز برگزار شد.
- درگذشت این روانشاد را به همسر ایشان فرزانه داریوش ایرانی و فرزندان سیروس - کربانو و رکسانا ایرانی و خانواده و دوستان و آشنایان دل آرامی داده شادی روان آن زنده یاد و تندرستی و دیرزیوی بازماندگان را از اهورامزدا خواستاریم.

## دهشندان :

- تراست روانشاد مروارید گیلو برای کمک به چاپ چهره نما ۸۰۰ دلار.
- خانم پریخ کیهانی بنامگانه روانشاد اردشیر کیهانی ۱۰۰ دلار.
- آقای رستم سلامتی سرده بنامگانه روانشاد ایرج جمشید ماوندادی ۲۵۰ دلار.
- آقای فرزین نوروزی بنامگانه روانشاد مهربابی خداداد نوروزی ۱۰۱ دلار.
- خانم فرزانه و آقای مهران مهر فر ۳۵۰ دلار.
- خانم ترانه و آقای فرهنگ غیبی ۲۵۰ دلار.
- بانو خانم شهزادی برای خرید ماشین فتوکی دفتر مرکز ۱۰۰۰ دلار.
- خانم سیمین و آقای پرویز اردشیر پور ۱۰۱ دلار.
- خانم شیرین و آقای دکتر سروش سروشیان ۱۰۰۰ دلار.
- خانم فیت و آقای یداله محمود زاده ۲۰۰۰ دلار.
- دهمند برای ناهار روزهای یکشنبه مرکز ۷۷۷ دلار.
- خانم مهرانگیز جم زاده بنامگانه روانشاد ناهید مرزبانی جم زاده ۱۰۱ دلار.
- خانم شیرین و آقای شیرمرد فرهمند برای سیستم انرژی خورشیدی مرکز ۵۰۰ دلار.

- خانم پروانه و آقای دکتر جمشید بلندیان برای سیستم انرژی خورشیدی مرکز ۱۰۰۰ دلار.
- خانم دلبر و آقای مرزبان مرزبانی بمناسبت سر سال و بنامگانه فرزندشان روانشاد ناهید مرزبانی ۱۵۰۰ دلار.
- خانم میترا کامور و آقای فرهاد فرزانه ۲۰۲ دلار.
- خانم همایون خسرویانی بنامگانه روانشاد گشتاسب کرمانی ۱۰۰ دلار.
- خانم رامک رهنمون بنامگانه روانشاد پریدخت هرمزدار کیخانزاده ۱۰۰ دلار.
- آقای دکتر مهرداد مهداد بفرخندگی سدره پوشی دخترشان ۲۰۰ دلار.
- خانم گوهر بهدادنیا برای سیستم انرژی خورشیدی مرکز ۱۰۰۰ دلار.
- خانم مهری باستانی ۱۰۰ دلار.
- خانم پریدخت یزدانی بیوکی بنامگانه روانشادان مروارید - رستم - گوهر و منوچهر یزدانی بیوکی ۱۰۰ دلار.
- خانم دکتر نوشین و آقای هوشنگ فرهمند برای سیستم انرژی خورشیدی مرکز ۲۵۰ دلار.
- خانم شکوفه و آقای شهریار زمردی برای بازسازی نیایشگاه مرکز ۱۰۰۰ دلار.
- خانم فرنگیس و آقای افلاطون خسرویانی بنامگانه روانشادان کیخسرو جم ترکی و همایون رشیدی ۳۰۰ دلار.
- خانم ایراندخت جهانیان سروشیان بمناسبت بیست و ششمین سالروز درگذشت همسرشان روانشاد کیخسرو سروشیان ۵۰۰ دلار.
- آقای رستم سلامتی سرده بنامگانه مادر و پدرشان روانشادان خوشنام و اردشیر سلامتی ۱۵۰ دلار.
- خانم زرین و آقای بیژن تیمساری ۲۰۰ دلار.

## سپاسگزاری

- بدینوسیله از فرزندان مهندس فریدون گشتاسبی و مهندس پیام گشتاسبی که در خرید و نصب دوربین های مدار بسته و تعویض چراغهای دفتر و آشپزخانه مرکز زرتشتیان کالیفرنیا اقدام و به مرکز دهش نمودند سپاسگزاری و قدردانی میشود.
- یک دستگاه تلویزیون بنامگانه روانشاد جمشید بهرام سلامتی شریف آباد به مرکز دهش شده است .



### دهشمندان مرکز لس آنجلس

- خانم آرمیتی و برزو یزدانی ۱۰۱ دلار
- خانم فهیم بانو شاملو ۱۰۰ دلار
- خیراندیش ۱۰۰ دلار
- آقای سیامک کریمی ۶۰ دلار
- خانم هما سهراب ۱۰۰ دلار
- خانم فریبا سروش ۱۰۰ دلار
- آقای بهزاد و خانم افسون آبادیان ۵۰۰ دلار
- خانم پرچهره سرویان برای سال ۱۰۱ دلار
- روانشاد دکتر اسفندیار فرخانی
- خانم دکتر نیلوفر گیو ۲۰۰۰ دلار
- خانم پری گیو ۱۰۰ دلار
- خیراندیش ۳۰۰ دلار
- خانم فهیم بانو شاملو بابت سفره شب یلدا ۱۲۰ دلار
- خانم پروین و آقای رشید ورهرام ۲۰۰۰ دلار
- بنامگانه گل و خداداد ظهر اییان و

### رستم و شیرین مرزبان

- آقای جمشید کیخسرو شاهرخ ۱۰۱ دلار
- خانم پریسا یزدانی ۱۰۰ دلار
- آقای دکتر شهرام و خانم فرانک قندهاریزاده ۳۰۰ دلار
- خانم گیتی کیامنش ۱۰ عدد میز بنامگانه و سال همسرشان روانشاد کیوان کیامنش
- آقای بهنام آبادیان لوح های تقدیر برای مراسم قدرشناسی که در مرکز ولی در تاریخ ۲۲ ژانویه برگزار شد
- خانم فرشته و آقای مهرداد مزدیسنی ۲۵۰۰ دلار





## جشن سده

جشن سده توسط اعضای انجمن زرتشتیان سندیکو در پارک Mariners Point برگزار گردید.

دهش همکیشان

دهش گهنبار گاه میدیاریم

۱۰۰ دلار	سیما شهریاری
۱۰۰ دلار	دکتر تیراندازی و مهوش گشتاسبی
۱۰۰ دلار	فریدون زندیان
۵۰ دلار	مهین ظهرا بیاں
۱۰۰ دلار	پوران و رستم اختر خاوری
۵۰ دلار	بیژن و مهوش دولت شاهی
۵۰ دلار	نیوشا و کامبیز فرودی
۱۰۱ دلار	منوچهر و سیما پوردهموبد



## خبرهای سن دیگو:

گهنبار گاه میدیاریم

مراسم گهنبار گاه میدیاریم در تاریخ هشتم ژانویه دوهزار و هفده در سالن Dove Canyon برگزار شد.

مراسم گهنبار به همت همکیشان و همراه با اوستا خوانی، داد و دهش و خیرات آش و سیروک برگزار شد.

کلاس اوستا

کلاس آموزش اوستا و دینی برای همکیشان خردسال با نظارت اعضای انجمن سندیکو توسط آموزگار دینی سرکار خانم دلشاد شهزادی در سالن Casabelanca برگزار شد. همچنین به خردسالان رقص و سرود توسط سرکار خانم آناهیتا نمیرانیان آموزش داده شد.

انتخابات دوره پنجم اعضای انجمن زرتشتیان سندیکو

انتخابات دوره پنجم اعضای انجمن زرتشتیان با نظارت اعضای انجمن مرکز با حضور شصت و چهار همکیش و پانزده کاندید برگزار شد. پس از رای گیری و شمارش آرا افراد زیر به عنوان اعضای انجمن زرتشتیان سندیکو انتخاب و به مدت دو سال فعالیت خود را آغاز نمودند.

ارشیا اهورایی ۵۳ رای

افشین خسرویانی ۵۱ رای

فرشید عزتی ۴۵ رای

اشکان یزدانی ۴۰ رای

بابک کورس ۳۳ رای

بهنام نمیرانیان ۲۸ رای

پس از رای گیری و شمارش آرا دو نفر از کاندیدها به عنوان اعضای علل بدل انتخاب شدند.

نیلوفر باستانی ۲۵ رای

مهران باستانی ۲۰ رای

مجریان تراست مروارید خانم گیو درگذشت شادروان دکتر فرهنگ سروش را به خانواده و تمام بستگان آن روانشاد آرامش باد گفته ، تندرستی و دیرزیوی بازماندگان را از اهورامزدا خواستاریم. روانش شاد و بهشت برین جایگاهش باد

درگذشت روانشاد دکتر فرهنگ سروش هموند گرمی تراست روانشاد مروارید گیو را به همسر ایشان بانو هما سروش و فرزندان مینا و تاشا سروش و خانواده های وابسته دل آرامی داده شادی روان آن زنده یاد و تندرستی و دیرزیوی بازماندگان را از اهورامزدا خواستاریم .

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

از سوی تراست روانشاد ارباب رستم گیو درگذشت روانشاد دکتر فرهنگ سروش هموند گرمی تراست روانشاد مروارید گیو را به همسر ایشان بانو هما سروش و فرزندان مینا و تاشا سروش و خانواده های وابسته دل آرامی داده شادی روان آن زنده یاد و تندرستی و دیرزیوی بازماندگان را از اهورامزدا خواستاریم .

دکتر داریوش جهانیان - فرشته یزدانی خطیبی - خشایار انوشه - منوچهر موبدشاهی - خسرو مهرفر

# The Credit Repair Specialist



برای ترميم ، تصحيح و بهبود كرديت وكاهش بدهی با ما تماس بگيريد.

- Late payment
- Collection
- Charge off
- Bankruptcy
- Foreclosure
- Chexsystem
- Judgement
- Tax lien
- Repossession
- Inquiries



مشاوره رایگان  
[www.enrichfin.com](http://www.enrichfin.com)



800-790-4240

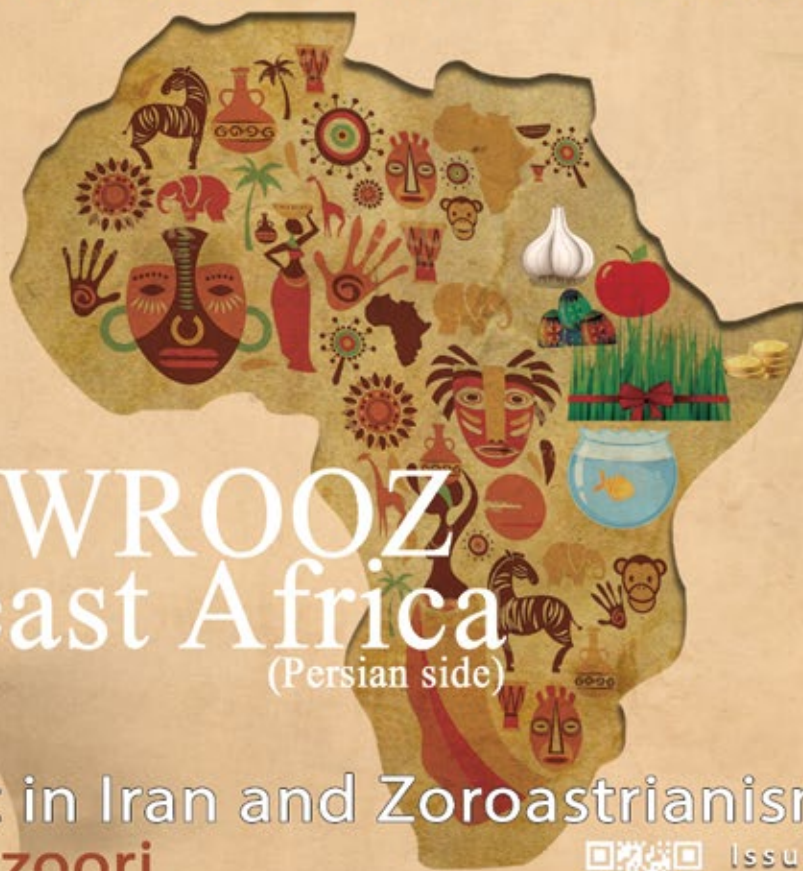


California Zoroastrian Center  
8952 Hazard ave  
Westminster, Ca 92683

Non-profit Org  
U.S. Postage  
PAID  
Permit No. 12300  
Huntington Beach, CA 92647

# Chehreh Nama

Publication of California Zoroastrian Center



NOWROOZ  
in east Africa  
(Persian side)

Music in Iran and Zoroastrianism  
**Hamazoori**



Issue No. 181  
March 2017  
[WWW.czcjournal.org](http://WWW.czcjournal.org)

## Editor's note :

Our identity is more than our genetic make-up; it is collectively how our experiences shape us from what we do, who we meet, choices we make, where we look for guidance and how we are raised by our parents. We express ourselves through our writing, our professions, our children, our hobbies, our community activism, and various forms of art. Art can be a very effective and strong method for expression whether it is visual arts, performing art, poetry or musical expression. It makes us feel connected and expresses the depth of our emotions. It also influences those around us and perhaps inspires them. After all Zarathushtra was an artist, his form of art was poetry. He connected with his god through his intellect and communicated his findings through his poetry; his poetry survived attacks, destruction, war and persecution exclusively because it was in art form. Just as an art collector would know if a brush other than Van Gogh's had touched his paint canvas the linguists would know if a word other than Zarathushtra's was mixed in his poems.

In this issue we focus on our artistically talented writers and how they identify themselves with their different forms of art; and how it connects them to their Zoroastrian background or belief. And how as a community we can find inspiration in art.

Arrival of spring always brings a promise; promise of light, blooming of flowers, changing of the season and of course for those of us with an Iranian heritage our beautiful Nowruz. No matter how difficult or sad or challenging your year has been Nowruz brings hope, a chance to renew our faith and forget the dark days and wake up with new energy. I wish you all a very happy and healthy Nowruz and joy to us as we celebrate Zarathushtra's birthday.

*Ushka,  
Fariha*

Graphic Designer  
Kevin Yektahi

Awarded for best director and best movie in  
Iran animation festival (2010)

- \* Business Cards & Logo Design
- \* Letter Heads & Brochure Design
- \* Photographer
- \* E-mailer Design or Banner Design

Email: kevinjektahi@gmail.com Tel: 949.2787675  
Web Site: keikhosroart.wix.com/kaynew



**Chehreh Nama**

www.czcjournal.org

California Zoroastrian Center  
8952 Hazard Ave Westminster, CA 92683  
Chehrenama's Email :  
cninfo@czcjournal.org  
Tel : (714)893-4737  
Fax: (866)741-2365  
czc publication's website :  
www.czcjournal.org



You can now donate online to any czcpublication go to :  
www.czcjournal.org and the bottom of the page  
you will see following  
please consider donating to chehreghnama

Thank you  
CZC will send you IRS accepted receipt for any  
amount of donation

Graphic Design & typesetting :  
Kevin Yektahi  
Internet :  
Ramin Shahriari

### Editorial Policy :

The opinions expressed in articles we publish are those of the authors , and may or may not represent the views of the Editorial Board of Chehreghnama, or the Board of Directions of CZC  
Chehrenama is a quarterly publication published in March, June, September and December

This publication is printed with the help of donation from Morvarid Guiv Trust



# ZARATHUSHTRA'S BIRTH DATE

Fariborz Rahnamoon

his answer in nature, but when he proclaimed it, he met with opposition in the country of his birth. So, he left and went in search of someone who would understand him. He found that person in King Vistasp of Balkh and his two wise ministers Jamasp and Frashaoshtra. It is said he was 30 years of age when he was accepted. Thus, the year 1738 BCE is considered the first year of the establishment of his school of thoughts; named the 'Mazda Yasni' (Reverence unto Wisdom), those who respect and pursue wisdom. In the Avesta it is repeatedly mentioned 'Mazdayasno Ahmi Mazdayasno Zarathushtrish'.

Based on this calculation, 21 March 2017 will be the 3755th



Zarathushtra the Sage of ancient Iran was born on the 6th day after the Vernal Equinox. This day has been traditionally celebrated as his birthday. Herodotus says "Of all the days in the year a Persian distinguishes his birthday, and celebrates it with a dinner of special magnificence." Birthdays being so important, it is apparent that the traditional date is right.

As for the year of his birth, 1768 BCE is the year that has been accepted by many Zarathushtis today. It is based on the astronomical indication in the Avesta and calculated and published for the first time by Prof. Zabih Behroze. Western scholars in this field have been confused and have given varying and misleading dates.

Zarathushtra at a young age was in quest of knowledge. He wanted to find out the purpose of life on earth. He found

year of the establishment of the 'Mazdayasni Zarathushti' religion and 26 March 2017, the 3785th birthday of Zarathushtra.

some more evidence of the correctness of the date.

Having been accepted by King Vistasp, Zarathushtra marries Havovi the sister of Frashaoshtra and settles by Lake Hamoun in Balkh. He starts practicing what he preached, he is said to have established an observatory by Lake Hamoun where he continued his research.

In Mehr Yasht 104-105 we are told about the location of the center of the earth from where Mithra (Sun) spreads its arms and hold the entire hemisphere. This center happens to be at 63 degrees' longitude, close to where Zarathushtra

had settled. When the Sun (Mithra) is at Mid Day -NIM ROOZ- position over 63 degrees' longitude, the entire hemisphere from Japan and Australia in the east to Africa and Europe in the west has sunshine, (the arms of Mithra). To this day in Afghanistan at 63 degrees' longitude there is a province named Nim Ruz.

Mehr Yasht is in the Avestan language and this language has not been used for more than 2500 years. We have cuneiform text from 2500 years ago, left behind by Persian kings, in three languages none of which resemble the Avesta language. So, it would not be wrong to be attribute the calculation requiring such high competence, to the poet, philosopher, mathematician and astronomer Zarathushtra whose poems are in the Avestan language.

We have another word that rhymes with NIM ROOZ and that is NOW ROOZ – NEW DAY. Today hundreds of millions of people in more than 20 countries and in pockets all around the world, celebrate Now Rooz on the Vernal Equinox. Why do they call their New Year, New DAY?

It goes back to 1725 BCE, thirteen years after Zarathushtra had settled in Balkh on the banks of Lake Hamoun. He calculates that at the exact time of the Vernal Equinox of 1725 BCE the Sun will also rise in the Kingdom of Balkh. In other words, the New Year and the NEW DAY will start at the same moment, in Balkh. This is a once in a life time event for any given location on earth. Every year the sun

the date of birth of Zarathushtra.

NOW ROOZ is recorded once again in 487 BCE, this time at Takht e Jamshid -Persepolis. King Daryoush the Great was informed by his astronomers that the phenomenon will occur in Parsa. They calculated and erected a pillar behind Apadana Palace and when the Equinox was announced the first rays of the rising sun lit the pillar. The bas relief around the palace is all about the celebration of Now Rooz of 487 BCE. The pillar is no longer there but the pedestal is still there. Every year in spring the sun rises right across from the location of this pedestal and is verifiable. So also, is the time of Sun Rise and the time of the Vernal Equinox of those two years for the two locations, verifiable.

Zarathushtra studied Nature and he branded the knowledge he acquired from nature as 'Asha Vahista' 'The Ultimate Truth'. Truth is always the Truth and can be verified any time. The following photographs will help verify the facts.

Having said that, theories about the year of Zarathustra's birth range from 600 to 6000 BCE, which again makes no difference. That what is important is what he has said, and 6000 does not outdate it nor does 600 BCE reduce the uniqueness of his teachings.

It is time to petition UNESCO to register 63 degrees' longitude as THE MERIDIAN OF ZARATHUSHTRA.



rises at a different location on the Equinox and it takes 72 years for this phenomenon to repeat close to the same location. He called it NOW ROOZ. He informed King Vistasp of the phenomenon, who proclaimed the New Year of 1725 BCE as the New Day - Now Rooz, in his kingdom. Otherwise Spring was celebrated as New Year since the days of Shah Jamshid, after the great ice age, some twelve thousand years ago. It was Zarathushtra who calculated and realized the uniqueness of the two events in nature happening at the same time at a location and named that particular year as Now Rooz.

This once in a life time event gives validity to 1768 BCE as



**Fariborz Rahnmoon** was born in Yazd; he was educated in a catholic school in Bombay, which led him to research his own religion at an early age. He has a unique perspective on the Zarathushti religion and history, which is a result of over 40 years of research. He says; "the Zarathushti history that has come down to us has been written by its adversaries over the last 2000 years and the Avesta has been deciphered and translated by Western scholars thereby leading us astray." His finding and views are available on his website. [www.ancientiran.com](http://www.ancientiran.com)  
Lately he is working on the MazdaYasni calendar based on the "Bundahishn" that is recognized as "the most accurate calendar from the 2nd millennium BCE that does not need any adjustment for 110,000 years". You can check it out at <http://zarathushticalendar.com/>



# "Hamazoori" Showcasing Powerful Women of Ancient Persia through a Visual Art Performance

Adeleh Alba

The "Hamazoori" prayer has always inspired me. I believe that by combining our strengths we can make significant contributions to our society as we implement the "Good thought, Good words, and Good deeds" principles at the individual and social levels. As a member of Amoozesh group of the CZC, I have been interested to come up with a project that would involve a large number of our CZC community members and achieve something that would inspire us about our national heritage and beliefs.

Art has always been intertwined with my core and identity as an individual, and I felt I could express my emotions through various forms of art better than I could in words. My passion for art, design and creative process motivated me to learn, on my own, how to draw, oil paint, watercolor, sew, and pottery. I was fortunate enough to work with a professional theater production group back in New York in various programs that went on stage.

In the Zoroastrian community as I got involved in teaching of the young I felt I needed to talk about our beautiful heritage and rich Iranian history to the young adults especially girls. This thought led me to the idea of a play of these noble women of ancient Persia by bringing them to life and give them a voice to share their roles in and contributions to our history. This idea was simmering in the back of my mind for several years it had become an obsession. Day and night I dreamed of celebrating these characters in multi-colored costumes, dance, music, high emotions and cheering audiences.

The initial motivation for creating the "Powerful women of Persia" program was that to make elaborate costumes which had true authenticity so that the young students who



played various characters would be more enthusiastic about their roles and be more committed. In fact the performers' enthusiasm and dedication surpassed all of our expectations.

I decided to pursue my dream and shared my vision with few of my talented, capable friends. We became a team that was truly a match made in heaven and exemplified when we work as a team and use each other's strength any impossible task is possible.

The process began by researching our history for a number of powerful and influential women. The number of women who had made significant contributions in Iran's history overwhelmed us. Therefore we had to be very selective to focus on a few of them for our program. We came up with sixteen characters, namely:

1. Pourchista ... Daughter of Zarathustra
2. Hoday ... The first ruling queen in history
3. Faranak ... Mother of Feriadoun in Shahname
4. Mandana ... Queen mother of Cyrus the great
5. Atusa ... Queen
6. Irdabama ... First business woman
7. Artemis ... Navy admiral
8. Youtab ... Army commander
9. Sura ... Army commander
10. Arta-dokht ... Minister of treasury
11. Pouran-dokht ... Ruling queen
12. Azad-dokht ... Ruling queen
13. Negan ... Army commander
14. Azad Deylami ... Freedom fighter from Deylam/Gilan
15. Banu Khoramdin ... Freedom fighter from Azarbaijan

Preparation of the narrative for the program was the next challenge. Due to her experience in writing various poems and screenplays in the past, Farideh Ghibi was kind enough to take on the responsibility of writing the initial draft of the

narrative. Ghibi wrote the Persian text of the narrative based on documentations in history books and Internet. After the narrative text was finalized, Fariba Pirghaibi and Hooshang Jozavi translated it into English to enable us to perform the program in English as well.

The next challenge was to find and determine details of the costumes of various characters and ensure that they were as accurate as possible. I took on this responsibility, and started sketching the designs, obtaining materials and finally making the costumes. Fariba Pirghaibi was a tremendous help for me in research and determining where to buy various products needed for the costumes. It took almost a year to create the costumes with valuable help from Razmehr Koohnoori.

There were about 40 people involved in the project. The critical task that had to be done at this stage was planning and coordination of practice sessions prior to each scheduled stage performance. Mandana Pishdadi was the lead person for this responsibility and she did a remarkable job.



During each stage performance, Mitra Dinyari had two important roles. As a director, she helped direct the creative, unique and seamless flow of the whole program. Moreover she was the narrator for the introduction and highly inspirational conclusion of each performance.

The stage also needed to be designed. Sima Salamatipour, our stage designer, captured the spirit of the script by

creating scenery that set the tone of the whole play.

Once the play was ready to go on stage, Mahnaz Dinyari managed the fundraising event to a success through the advertisement, marketing, and ticket sales for the program at various performances.

Finally, Parviz Manouchehri, our audiovisual manager, ensured the director's artistic choices were realized in actual performance on stage. He did a splendid job showing casing the play by timely lighting and sound cues.

There were a number of other activities that took a lot of effort by various people to accomplish to complete execution of the program e.g. Program narrations, technical requirements, hair and makeup, dance choreographers, and those who provided financial support. The dedication from all of our volunteers was truly unparalleled.

The program was performed four times with great support



as follows

1. California Zoroastrian Center, Westminster, CA on August 2014
2. World Zoroastrian Conference, Los Angeles, CA on December 2014
3. Farhang Foundation, Mission Viejo, CA on March 2015
4. California Zoroastrian Center, Westminster, CA on February 2016

During the whole process of this project from the concept development all the way through execution, many of us whether as close friends or complete stranger, we all got close together and were united through common cause and in doing so we were strengthened as a community.

The show ended with all of the players onstage chanting, proud and aloud, "I am daughter of Iran", honoring all the mothers, daughters, empresses, ministers, commanders, and warriors who led the country for thousands of years side by side the Iranian men. Everyone present experienced a spiritual unity with our past and present, which was phenomenon.



**Adeleh Alba** was born in Tehran, Iran. She received a B.A. degree in Mathematics from State University of New York at Potsdam. She has been teaching "Persian Culture and History" to Preteen class at California Zoroastrian Center since 2004.



# Visual Art Connection

Bozorgmehr Vakhshori

These are important ideals that are applicable to mankind today as they were centuries ago. Art is also one of the few media where one can truly express themselves to a large audience in a manner that can create a positive and meaningful dialogue amongst groups of people.

Among my influences are some of the greatest visual communicators the world has ever known. It is my belief that the great artists, Salvador Dali, Pablo Picasso and Paul Jackson Pollock, handed us the tools of novel artistic idea and individualistic creative style, thereby enhancing my favorite language; that of visual art. The gift of speaking a language that is universal comes with great responsibility. I understand this responsibility to mean capturing, documenting and translating in a way that will transcend time as well as cultural perception in order to tell the human story as honestly and accurately as possible. It is the mission of my work and of my diaries on canvas then, to process for myself and for mankind, the very raw emotion connected to both the beautiful and horrific historical



It is said that poets paint pictures with their words, and that music is poetry in motion. I suppose then, that as a painter, my words and thoughts become legible once set visually on my diaries made of canvas.

Zoroaster believes that life is an art, not a science. Persian art has one of the richest art heritages in world history and has been strong in many media including architecture, painting, weaving, pottery, calligraphy, and sculpting. Zoroastrianism was tremendously influential on the history, culture and art of Persia and the world. Through the philosophy of Zoroastrianism: Good Thoughts, Good Words, and Good Deeds, one can find the path toward humanity and betterment of life. This philosophy has influenced my entire life.

My Zoroastrian faith has a significant influence in my artwork. Simply put the basic tenets of the religion focus on having respect for people of other faiths and backgrounds.



events throughout human history. I hope to convey that once processed, the power of this emotion can and will lead us to great change, elevated understanding and a world that encompasses all that truly is "In God's image and likeness", a world he is proud to have created.

My painting "Inhumanity" was created to honor the





innocent victims of prejudice over the last century. Centuries of world history show evidence of atrocities committed against innocent groups of people in the name of religion, ideology and race, proving that man has much to learn about temperance, tolerance and forgiveness. In this painting there is a white dove carrying a red rose, a symbol of enduring hope for a peaceful world for generations to come. "Inhumanity" depicts the pain and injustices different groups of the human race have experienced at the hands of others. Yet hope is not gone! Through the pain, this white dove flies on, moving the dead and reminding the survivors to embrace life and to embrace each other.

Art can connect the history of our past with the hope of our present and future. My dream is to create such an art that reflects now and always, to love human beings regardless of religion, ideology, race and nationality.



**Bozorgmehr (Boz) Vakhshori** was born in October 1952 in Kerman, Iran. His passion for art began at the age of seven, when he started to draw with charcoal and chalk. Boz left Iran in March of 1978 and attended San Diego State University where he earned his Bachelors of Science degree in Civil Engineering in May of 1983. Although he majored in Civil Engineering, he cultivated his passion for art by taking several courses in oil painting, watercolors, modern art, wood crafting and ceramics. Since 2007, Boz has been active in exhibiting his artistic works. He has had successful exhibitions domestically (Santa Monica, Los Angeles, and San Diego) and internationally (Marbella, Spain). His mission is to create art that reflects the main tenets of Zoroastrianism: "Good Thoughts, Good Words, Good Deeds". The overall legacy of his artwork is to help display the good side of the human spirit and the interconnectedness of all human beings around the world.





# Music in Iran and Zoroastrianism

Sheida Abassi

There is no art that can better express our inner feelings than poetry and music. They both provide overwhelmingly powerful feelings like nothing else can. In fact, painting, engraving, and other forms of art cannot convey an artist's feelings to others in a way that poetry and music can. For this reason, music is such a valuable art form, in many lands and in many religions it is even sacred.

Music has been a part of Iran's culture for thousands of years. Without a doubt, the origin of Iranian music stems from Zoroastrianism. Zoroastrian culture has influenced and been influenced by foreign cultures. We can even say that church music of European religions has roots in music from Zoroaster's period. To date, we have very little information about the music in ancient Persia and in Zoroastrianism. Though much investigation has been conducted about Iranian music, it has not been easy to research about that which is almost forgotten. There are just a few traditions that give proof of its existence throughout Persian culture and art.

In Iran there are also many musical elements in Muslim rituals and ceremonies. After Islam came to Iran, Noha and Marsiya were revived as two of the classical music roots. When Pope Gregory traveled to Iran during the Muharram (one of the four sacred months of the Islamic year) he saw the Muharram funerals and began to study the harmonic European music.

Music expresses the passion and desire of human beings. People throughout history have used rhythm and melody as a way to express their inner feelings, in both joyous times and in times of mourning. In fact, happiness is one of the Iranian virtues. This happiness became a significant principle of Zoroastrianism, so much so that in Haftan-Yasht, being unhappy is a sin, and one must repent for his sins to Ahoura Mazda. in Menog-i Khrad (one of the most important secondary texts in Zoroastrianism written in

Middle Persian language), the land in which the people sob would be a ruined land. In Gathas, celebration and happiness were written about several times.

So, as one can see, music has always played a part in Zoroastrianism and Iranian culture. There were many celebrations that were accompanied by playing music and singing. It is impossible to dance without music, to celebrate without music. There were more than 20 Zoroastrian celebrations, that after some research about each of these, we can realize that this theory holds true.

Though the number of these celebrations has decreased over Persian history, some of them are still active. The oldest and most important Aryan celebrations are Sadeh, Mehregan, Yalda, Chaharshanbe Sourī (festival of fire), Nowruz, and Sizdah Be-dar (nature day). Two good examples are Yalda and Nowruz, the two most important celebrations in Iran, where reading poems by Hafiz is traditional. Nowruz-Khani is reading poems about Nowruz in musical fashion, almost like singing, and was very common in Iran until nearly 100 years ago. There were also small groups known as Nowruz-Khanan, who sang short songs about Nowruz and about wishing happiness for the New Year. Another example is Hajji Firuz (or Hajji Piruz) who has a black painted face, red dress, a cap on his head,



sings, dances, and plays a tambourine to bring joy to the people.

As many know, music was forbidden in Iran by Islam in the 8th century AD, and other arts have been forgotten over the centuries. Before that, Persia had many famous musicians like Nakisa (Nagisa) and Ramtin, and later Barbod, who was the last music teacher before Islam came to Iran. He was a truly talented artist that played during the Sasanian Empire.

In the 9th part of the Khosrow and Ridak article, Anoushiravan talks to Ridak about music. Ridak said he plays harp very well, and talks about some other instruments like the tonbak, ney, and oud.

During the Parthian Empire (Arsacid Empire) music education was taught in the schools, as was documented in the Kar-Namag-i Ardeshir-i Pabagan, written during the Sasanian Empire. One such story quoted: "Ardeshir sat in the stall playing tanbur, and singing, and his music created happiness."

Herodotus, the most famous of Greek historians, said that magi (Zoroastrian priest) in the Achaemenid Empire read benedictions and sang some different musical sounds. Also during this period, young girls from around the country went to the capital to sing at Darius' coronation ceremony.

Unfortunately, during the Medes Empire, we don't have much information about music, but research and evidence

shows that throughout this period music evolved considerably, especially in Aryan religious ceremonies.

During Pythagoras' time, ancient Greeks discovered music. So, ancient Greek music is only 2500 years old, but we know more about it because historical documents still exist. This is not the case for Persian music because, unlike Greek libraries, ancient Persian libraries and their documents were burned by Alexander the Great. In other parts of the world, like India or ancient Egypt, we see statues more than 2000 years old, with people playing musical instruments.

Research tells us that musical instruments were never played during a reading of the Avesta, but some magi still believe reading of the Avesta was always accompanied with musical instruments like the tar, setar, and tanbur. No information is available to substantiate this. Most likely, if any instruments were played, it would have been the tambourine. Yarsanism on the other hand, has many musical elements. We know the tanbur is a very old instrument which was used in Yarsanism ceremonies. There are also images with similar instruments from 1100-700 BC in the city of Shush.

Another reason that we know music was important to ancient Iranians is the different scripts over many centuries that can provide a lot of information to us. Din Dabireh (Avestan alphabet) is a writing system developed during the Sasanian Empire which is very close to the Pahlavi language. Din Dabireh has 48 letters, including both long and short vowels, and linguists believe that it is one of the most complete languages in the world. In fact, Avesta's beauty is due to the beauty of this language.

The most sacred texts of the Avesta and of Zoroastrian faith is the Gathas, a collection of poems which are sang musically. Some Zoroastrian priests believe we should read these poems as beautifully as Zoroaster sang, and they should also be sung in soprano. As they say: "Zoroaster sang Gathas..."

Some students in the Zoroastrian Student's Association and Faravahar Organization have initiated reading the Avesta with musical instruments, which is very close to Dastgah (traditional Iranian musical modal system). The Avesta is read on at least two of them: Se-gah and Chahargah. This is heard in recorded audio of Avesta reading from the last century, and is very beautiful to listen to.

As Mobed Pedram Soroushpour says:

"Yasna includes the most spiritual Zoroastrian benediction which the people sang in different ceremonies. One of the most important is Yasna-Khani or Yazashne which is in the Gahambar rituals. Yasht means song or musical benediction. Reading the Gathas slowly is very important to Zoroastrians. If somebody does not sing Gathas like a





song or does not let someone else read it as a song, it is considered a sin."

The Avesta remains in its original format because it is structured as a poem, and inherently poems are difficult to restructure. The other reason is that we can memorize poems more easily than regular phrases. The Avestan hymns of the Gathas have remained unchanged since they were first written; they have the same number of words, rhymes, and parts. This is why the Gathas is known as one of the oldest examples of songs and lyrics.

The word "Gathas" has transformed over the past 3500 years. It was previously referred to as "Gah" meaning "to sing". The words "Dastgah", "dastangah", "Se-gah", "Chahargah" and "Rast-Panj-gah" are derived from "Gah".

The classical music tonality scale must also be mentioned. One of the most famous European scales is "major". After much research by musical historians, it was discovered that the "major" is an offshoot of ancient Persian music Dastgah-e Mahur. It is even believed that the word "major" comes from the word Mahur.

Iranian literature was a principle way of keeping Iranian culture alive throughout the centuries. The most important Persian literary work is Shahnameh, written by Ferdowsi. One of Persia's greatest poets, Ferdowsi saved Persian literature with this work, the world's longest epic poem.

His literature was extremely important to epic music, for example pahlevani and zoorkhane ritual music, which was sacred in Iranian culture. Shahnameh shows the pahlevani and zoorkhane rituals' originality and identity. In the past this music was accompanied by instruments like the tar, setar, and ney, but today the only instrument in zoorkhane is the tombak, played by a morshed (guide) who also sings. So, the guide has the most important role because he should be a very good tombak player and also a good singer. In fact, it is not easy organizing and creating harmony between poem, rhythm, and music.

Other examples include Garshasbnameh that was written by Assadi-Toosi, the most important literary work after Shahnameh, and Khodanameh by Daghighi, who helped to compile Shahnameh. Also, famous artists like Farabi, who helped to develop music in Iranian culture.

Undoubtedly, Persian literature is the oldest and most complete literature in the world. No country or culture has as many poets and authors as Persia. The philosophers and poets of Persian literature expressed their thoughts and their opinions in poetic form to be more clear and more effective on every subject; they truly made it as beautiful as possible.



Sheida Abbasi was born in 1986 in Tehran, Iran. She is a classical pianist, composer and music therapy researcher. She received her Master degree at the Music Academy of Tehran. She earned her Bachelor's degree in 2009 at the University of Music of Tehran, where she studied piano with Prof. Chista Gharib. She wrote her thesis about music of ancient Persia and Zoroastrianism and her article was published in an art magazine in Iran in 2010. She studied music composition at the Modern Music School in Italy. She also played several concerts and piano performances in Tehran, other cities of Iran and Italy as a soloist and with different orchestras and music bands. She currently is in the United States researching about how music therapy can help children with mental disorders and writing a thesis for master for Roma Tre university of Rome.

## “Zarbol masals, community leaders, & being oblivious to what’s really important”

Cyrus Mehrfar

I'd like to start by sharing an anecdote by novelist David Foster Wallace.

"There are these two young fish swimming along, and they happen to meet an older fish swimming the other way, who nods at them and says, 'Morning, boys, how's the water?' And the two young fish swim on for a bit, and

the ones that are the hardest to see and talk about."

Identity has always been a difficult concept for me to grasp. Despite being born in this country, it's easy as a Zoroastrian Persian American to feel like an outsider, more so today than ever.

To my Zoroastrian brothers and sisters, the Zoroastrian community, and the California Zoroastrian Center, you are a part of my identity. From my character to my morals, to my love for kalbas sandwiches, aash & eating shalgham when I'm sick (I hate it but it works. I'll never admit this again, Maman), you've helped shape who I am.

I took Persian classes when I was younger and later joined Mitra Dinyari & Mandana Pishdadi's Zoroastrian ethics class. I feel it's important to note with the rhetoric in today's media, that every teacher I ever had at the California Zoroastrian Center exemplified a strong, intelligent, and selfless woman.



then eventually one of them looks over at the other and goes, 'What the hell is water?'"

The point of this story, according to Wallace, is "that the most obvious, ubiquitous, important realities are often

me and remind me of my time under Khaleh Mandana & Khaleh Mitra's tutelage:

Outside of the relationships I've formed & the friends that have practically become family, one my favorite takeaways from my experiences on Sundays was learning Zarbol Masals, which translates to Persian proverbs. These proverbs are thousands of years old yet still so relevant and relatable.

I'd like to share a couple that stand out to



دانا داند و پرسد نادان نداند و نپرسد

The wise one knows and still asks. You taught us to be curious. You taught us to question everything, and to seek out answers.

One of my favorite experiences was attending a Buddhist temple together as a group in Westminster along with the Interfaith Forum. We got together, along with a handful of Sikhs, Bahias, Christians, and other religious groups, and had an open dialogue filled with questions. It was beautiful. You taught us that our peaceful differences should be celebrated, recognized, and educated; not vetted for approval.

دو صد گفته چو نیم کردار نیست

200 words don't equal half a deed. Equally as important, you taught us the value of being proactive. Words aren't always enough. Act on your beliefs. Through charity fundraisers, beach clean-ups and serving as camp counselors, you taught us the importance of getting involved.

چوب معلم گله هر کی نخوره خُله

I did not make your lives easy nor did I take much seriously back then. You took time (and probably a little bit of your sanity) out of your Sundays to impart wisdom on some sheytoon kids. You put up with a lot but never quit on us. No matter the interruptions or immature jokes, you practiced and preached the importance of empathy and patience through your leadership.

Every Sunday you would engage us in Socratic method with a new, relevant topic. You encouraged us to use our Vohuman, our good mind, to speak up. You pushed us in the right direction but allowed us to think for ourselves.

More than taking time out of your busy schedules to teach us some integrity, you invested in our lives. I say this to not just Mandana Pishdadi & Mitra Dinyari but to all the strong leaders of the Zoroastrian community that (metaphorically & physically) keep the fire burning inside our atash-kadeh. It takes a village to raise a child and to have the support system of the Zoroastrian community is amazing.

Taking these lessons with me has made it slightly less terrifying to digest the negative narrative underlying

today's politics. Media every day is becoming more overwhelming and immersive. Despite the strong divide that evidently exists in this country, the silver lining to the vitriol has been the unity I've seen in the form of peaceful protest. Two weekends in a row, the country unified to collectively exercise the First Amendment right of free speech. The outspoken support that both women and immigrants have received has been incredible and necessary.

My parents are immigrants. Guessing the demographic of this publication, if you are reading this you or your parents are most likely immigrants too.

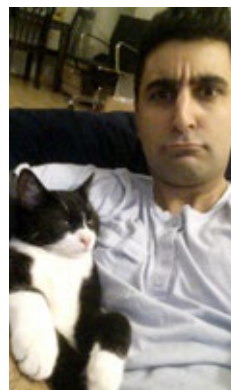
I say this because I'm incredibly proud of our parents. For comparison's sake, by the time my parents were my age they survived a revolution and immigrated halfway across the country, without family, to build a new and better life. I, on the other hand, just bought an Xbox One and get irritated when my Amazon Prime items don't ship in two days.

I think it's important to remind myself of this from time to time because I'm incredibly grateful and lucky for the community and life I have been blessed with.

To reference the Zarbol Masals from above, now more than ever is vital for us to ask questions, to get involved, make our voices heard, and continue to educate ourselves and our fellow brothers and sisters. We will not be ignored.

I'd like to close with this quote by Martin Luther King Jr.:

"Darkness cannot drive out darkness: only light can do that. Hate cannot drive out hate: only love can do that."



**Cyrus Mehrfar** currently lives in Los Angeles where he works in live entertainment & digital media. He is the son of Khosro & Roya Mehrfar & the brother of Roxana Mehrfar Jamshidi. He lives with his honorary Persian cat Zorro (short for Zoroaster) who also believes in Good Thoughts, Good Words, & Good Deeds. One of his grandmothers makes the world's greatest kotlet & cuts up more fruit than anyone can eat while the other is the world's biggest Los Angeles Lakers fan.

# Open Tabs



## Roya Behmardian

was born and raised in Southern California. She has attended CZC's Persian and religious classes all through her childhood. She graduated from UCI with a Masters of Art in teaching.

strikingly- we create new innovations in education, in science, all directed to improve the human condition. In a sense, we are the tools we have made; we are the technologies we have created, and that idea that technology is an extension of our mind becomes more and more clear.

I recently went to a google summit, and one of the key note speakers shared a video about a 15 year old boy, named Kenneth Shinozuka, who solved a common problem in an extraordinary way. His grandfather has Alzheimer's, and frequently wandered at night. To detect his grandfather's wandering, he developed a pressure sensor that can be placed inside a sock, and then coded an app that would directly notify users if the pressure sensor was stimulated. Through his creation, all of his grandfather's wanderings were detected, his family gained peace of mind, and millions of people around the world who are affected by dementia can now benefit from what Kenneth made.

It is because of technology that that boy was able to keep his grandfather's safe, it is because of technology that a group of strangers were able to watch that video and gain boundless inspiration, and it is because of technology that I'm able to share his story with you here. Human connection radiates and empowers through these mediums, how cool is it that we get to embrace that which bring the world's hearts and minds just a little closer together.

But like every other good thing we experience, a sort of purposeful balance also plays a role. We can choose to let technology isolate us from others, or we can seek ways connect with those around us in a meaningful way. I'm still learning about that balance, as I often find myself falling into the former scenario. Every now and then, I'll catch myself surrounded by a favorite group of friends, texting--only to realize that these are the very same people I text when I'm alone.

I suppose it's a learning curve that's worth understanding--this idea of practicing using technology for good. Just as the world's tools have evolved from fire making sticks to smartphone flashlights, we too must evolve to be more conscious of the way we use each new innovation. If we can find the ways in which technology makes us better people, and harness that goodness, then just imagine how much goodness can come about.

After all, the sharing of ideas fuels progress- and technology caves the pathway for us to do exactly that. Sharing thoughts, reading others' work, publishing each other's experiences- isn't that how we truly learn? And as I sit here, tap tapping away in the comfort of my fleecy-ness, I can't help but notice how much infinite knowledge and exploration is available to me,. If only I take the time to thoughtfully open a new, blank, tab.

Cloaked in fleecy sweatpants, my feet dancing along to the tap tapping of each word I type-and then backspace- and then type, I glance back and forth to my phone to check if my crops are ready to harvest in this farm game I've been playing. On my laptop screen I have 5 tabs open: google docs, spotify, gmail, amazon, and a web search asking how many gummy vitamins is safe to eat in one day. Within 10 minutes, my mind seamlessly and almost subconsciously jumps between tabs, between devices, gearing attention instantly towards any topic that aligns with my mood.

Reflecting on how much time is spent immersed in technology, It is natural to feel that we're letting our "humanness" drift away. And yet, it's important to explore an alternative perspective: that in fact, technology can actually makes us more human-- more than we ever believed we could be.

Jason Silva, a modern day philosopher, shared a video with the world that drastically both changed and shaped how I feel about technology in the most eye opening of ways. "Technology is literally the way we turn our minds inside out [...] it is our extended mind; I phone, therefore I am," he says. When I first heard that, it took me a moment to understand the magnitude of what he meant. Because people create every innovative tool that exists, then human thought lies innately within them. Not only that, but our interaction with technology connects our minds with everyone who uses what we use; that is such an amazing thing.

We donate to GoFundMe pages about people we've never met before, and we virtually compare our steps to friends on Fitbit. What we're really doing is creating--creating organized protests all planned through facebook, making music or crafts by learning from someone off youtube or pinterest, and mostly



# Let Diversity Shine

By Hilda Kasravi

Just around spring time every year, I would find my mom in my school classrooms talking to my teachers. I would hear her saying, "Now we celebrate Persian New Year on the first day of spring and I would like to share with Hilda's classmates all about our tradition..." She would go on explaining what we do on Persian New Year and how we set up a table and how we bake delicious sweets. To be honest, when my mom first started coming into my classrooms all throughout elementary school, I felt a little uncomfortable. I did not think that my classmates cared about my Persian heritage or what my traditions were. Oh boy was I wrong.

When my mom would come into my class and share with my classmates all about Persian New Year, she literally brought the whole package. With her she had every single item on the sofreh-ye haft-seen, shirini of all different assortments, and even, aidee. Looking back, I was foolish to think that my classmates wouldn't like such an experience- not only were they excused from doing any school work, but they got to try different pastries, and on top of that they got money. My mom would go into detail explaining every part of the sofreh-ye haft seen and be explicit in saying that there are seven items that start with "s" and seven items that start with "sh". Then she would further explain that on the day of Nowruz, our family, all dressed in new clothes, gathered around this sofreh counting down the time until the first day of spring officially started. Immediately after, the entire family wished one another prosperity and good health for the upcoming year and the children would receive a special gift. Now this was always my favorite part of my mom's Persian New Year presentation. She would initiate for me to quickly stand up and uncover this beautiful pink tulle covered basket. Inside the basket, laid an array of white envelopes with "Nowruz Pirooz" enscribed on them.

Then, I would share with my classmates that the special gift the children got during Nowruz is called an aidee, and in order to truly be in the Nowruz spirit, my mom and I had brought all of them an aidee as well! Inside each of those envelopes laid a freshly printed \$2 bill. Once my classmates ripped open those envelopes their smiles were as big as the moon. (Parents, as you might know, any amount of money will make a child's face instantly light up.) After the presentation was over, I remember my classmates thinking how cool it was that I got to celebrate Persian New Year, and I even recall a few saying that they too wished they were Persian.

It is safe to say that I am proud of my heritage and the traditions my family and I celebrate. Being an American-Persian, I have been able to uphold values and traditions from both of my cultural backgrounds and I make sure to let my diversity shine. I ask you, parents, to do as my mom did and share with your children's classrooms about Persian New Year or about the Persian culture. I ask you, children, to not be embarrassed because as you grow older you will realize how wonderful it truly is to be multicultural and diverse. We need to educate those around us about our Persian heritage and in reverse, we need to be educated on other heritages that are around us. Living in a country with so much current change and negativity around cultural diversity, do not ever lower your pride or doubt your heritage. Kindness, acceptance, and education are the foundations of what makes diversity shine and as Zoroastrians, but also members of the human race, we should do just that. Be kind to others, accept others for who they are, and be educated on others' differences.

This year for the first time ever, I will be doing as my mom once did, and sharing with my own students about Persian New Year. I will bring in the sofreh-ye haft-seen, I will bring in Persian pastries, and of course I will bring aidee. If we can teach our children at a young age about kindness, acceptance, and furthering their education, then only, will our country be great. So I, as an educator and as a person, will let my diversity shine with pride!



**Hilda Kasravi** is from Huntington Beach, ca. She is pursuing her Masters and credentials in Education from University of California, Irvine.

# Celebrating Nowrooz and ?

By: Kimiya Shahzadi

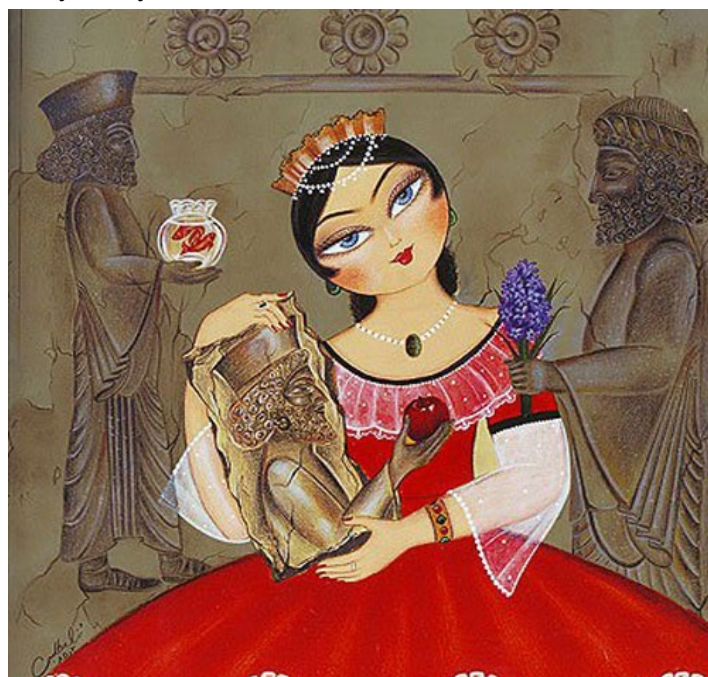
March! The month of two celebrations! The first one we all know, Norooz. But how many of us know the second?

Every year, I ask my two younger brothers the same question and with every year that passes, their answers become more and more accurate.

March 26th (27th on leap years) is dedicated to Ashu Zartosht's birth! It's a monumental day!

It is the day we celebrate this great man's existence and his timeless, wise teachings about following the path of righteousness and being a good person.

In my family, for Norooz we set the Haft Seen, eat delicious



Persian sweets, receive money, wish each other fantastic things for the New Year, have fun dressing up as Amoo Norooz and Haji Firooz and most importantly, spend quality time together.

Five days later, we celebrate all over again, this time for Ashu Zartosht's birthday. As a family, we gather round and give tribute to Ashu Zartosht by turning on a candle or oil lamp near his portrait which is surrounded with flowers, and each say thanks for the things we appreciate Ashu Zartosht teaching us. We sing Ashem Vohu and Yata Ahu Vaeryu together, then hug each other, and eat delicious Persian sweets again, exchange presents and go out to a Persian restaurant for a nice meal. We do our best to make the day special.

In Iran, Ashu Zartosht's birthday is celebrated in an

elaborate way. There are prayers, speeches, comedy plays, and music and dance performances organised by Zoroastrian Associations. Zoroastrians young and old come from all around to pay their respects to this remarkable man and make a fun day out of it.

Outside of Iran, this celebration has become somewhat lost. The younger generation of Zoroastrians may not have even heard of it.

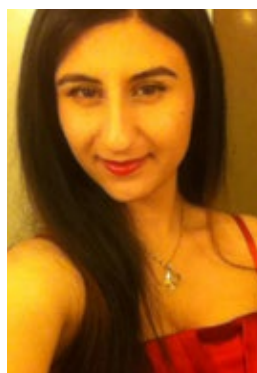
Just about all Zoroastrians know December 25th is dedicated to Jesus Christ's birth. It would be wonderful to see Zoroastrians know when their own prophet's birth is and celebrate it in any way they can. When people ask: do you celebrate Christmas? It makes me so proud when I hear Zoroastrians say we celebrate our prophet's birthday on March 26th and it's really fun!

We are proud to be Zoroastrian! Here's a day to have fun and celebrate it!

It can be a simple "Happy Ashu Zartosht's Birthday" with a hug and a kiss to your loved ones, acceptable even via text! Or, you may decide to take it one step further and say thanks, give presents, and do something you enjoy with your loved ones. If, for instance, you love making brownies or having a picnic or going to the cinema or going rock climbing or having a sleepover or dedicating a day to helping people, why not start your own fun tradition for Ashu Zartosht's birthday?

I hope with every year that passes that the fun traditions for Ashu Zartosht's birthday get bigger and better and that we take a day to be proud of who we are. I would love to see all Zoroastrian Associations around the world celebrate this significant day as Iran does and add their own fun twist to it. Let's make this day exciting and memorable for us all to look forward to.

It is a day worth remembering.



**Kimiya Shahzadi was born and raised in Melbourne, Australia. She graduated from The University of Melbourne with a bachelor's degree in psychology and economics. She is now doing her 4th year honors and working towards getting her PhD in Psychology.**



# Ask Nahid

Dear Nahid,

Why are people so sensitive these days? My campus is thinking of implementing the safe space policy and I don't get why. What's the point of talking about something if no one listens to the other side?

~ Jamshid

Dear Jamshid,

You are correct that a discussion is merely as good as the communicators taking part. Historically Safe Spaces are designated areas where groups of like-minded individuals can gather in peace and without the fear of being verbally attacked or abused. These practices used to be limited to meetings in rooms, and are now being implemented campus wide. It is a means of preventing harassment and abuse; however as you mention, it can also discourage an educated conversation from occurring. The main goal is to teach respect, unfortunately safe spaces tend to create environments of segregation and unilateral discussions.

One of the reasons institutions have expanded the safe space throughout the campus is to prevent disruptions to guest lecturers, student groups, visiting professors, etc. In modern debates we want to win an argument by butchering the other side with facts, statistics, analysis that we deem worthy of our cause. These points of argument however have turned into disrespecting and demeaning the person we are debating against and not their topic of discussion. A successful discussion would include listening and responding to the facts, statistics and analysis the other party has to contribute and then combining that knowledge into a response or result.

When open conversations are not encouraged, the community loses sight of exactly what the issues are. We then have no idea if anything is wrong, because those who feel upset about something do not want to air out their concerns or issues for fear of admonishment. Conversations that are not inclusive of multiple view points and turn into name-calling, belligerence, or disrespect simply ceases education and progress. Who wants to talk to someone who is just going to scream threats or insults at them in response?

Educate yourself. No one can tell you what you should know.

Find your own sources and resources and ANTI-sources. I say "anti" with emphasis, because that's giving you a conversation with yourself. If you can understand both sides of the argument, you can better select the side you are for or against. A conservative only listening to conservative news with conservative analysis and data will have the knowledge to discuss their side and their side only. When you educate yourself by finding resources from all sides of a conversation, you can not only argue your point better but also in a manner where the other side is also felt heard, understood and respected.

In recent days, I need reminding that we, as Zoroastrians are a progressive culture. Our founding was based on the progress of one man conversing and listening about the truth of the world. If we do not discuss our truths today openly, honestly and with integrity, we risk the potential progress we can make. It is when all sides of the issues are not discussed, that we falter as a society.

So if you want to make sure that your campus has a safe space for debate, then create the environment of respect towards opposition. Make debates and discussions safe spaces where the topics are heard and not the insults. Don't agree to disagree. No resolution ever comes out of complacency. Agree to debate and discuss with respect. Make sure you are heard, and make sure you hear what is being said around you as well. That is how we will progress together as a community, campus, state and country.



**Nahid Dashtaki** completed her master's in both Dispute Resolution and Public Policy from Pepperdine University. She has received two Bachelor of Science degrees in International Relations and Comparative Literature from the University of California, Irvine along with extensive international work experience in the Middle East and Asia. She continues her work with mediation and conflict resolutions at Los Angeles World Airports.

Well the cloud likes to talk big and fight with hotels,  
Fight by dangling fear and threatening too,  
While fighting for peace he hasn't a clue.

## The cloud v. Nowruz: the battle of a lifetime

Aryana Behmardian

This year started with rain, and it never stopped pouring  
Although some would say it helped clear the drought, less  
people were adoring  
For this rain, true, came at a cost  
The cost, a toss of the rules, leaving many lost.  
Lost to its power, its hatred and its cursory  
This particular cloud notorious for giving no mercy

As his rain showered on the countryside below,  
The hillsides collided to build a wall to show  
His ruthless and unsparing contents that out of him explode.

He pours over the world as if trying to build a dam  
But creates turmoil and chaos in his so called "ban"

Though the storm hasn't broken yet, the cloud still lerts  
There's something beyond him, a bigger force is at work,

For every 12 months at this time of year,  
The land beams green with cheer because Amoo Norooz  
is here

The battle begins, each player with their weapon of choice  
Amoo uses golab to wish his opponent well, while the cloud  
uses his hateful and obnoxious voice,  
While the cloud fights dirty with curses and lies,  
Amoo stands with such grace, as his spirit does not die

They say fighting fire with fire never blows over well,

Our Amoo however is the champion master  
At healing hearts, bringing smiles and celebrating life after  
such a disaster.

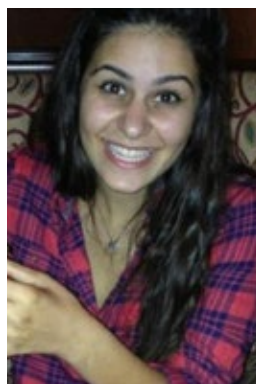
You see, the fight was over before it begun  
Our Norooz means a new day and so we have already won

Our rain cloud knows not that his showers,  
Have surely shaped some beautiful flowers,  
To stand up together and speak their voice,  
To stand up and realize that they have a choice

They can either be hateful and cruel like the cloud  
Or they can choose to be loving and make their Amoo  
Norooz proud

All I want to say is...  
I will never fight fire with fire but only with the flower of yaas  
To show I come in peace and you're the one at the loss.

Flowers stand tall,  
Norooz trumps all.



**Aryana Behmardian** is a 23 year old from Irvine, California who is pursuing a masters in occupational therapy from Stanbridge University. Outside of school she works with young adults on the autism spectrum with vocational and educational goals.

## NOWRUZ MUBARAK

I hear a beautiful tune, as a bird on a branch, does sing.  
Bells peal and adore I, the chime, as they ring.  
Signs these are, of the oncoming spring.  
Navroze, the festival of SPRING is here.  
Nature vibrant is ; it's time to celebrate, my dear!  
Lay let us, a table with berry Pullav, chicken, fish and beer.  
Spring brings in enthusiasm and hope, for pastures green.  
Leave let us our vices, malic behind and our hearts, of them clean.  
Pray I, may there be joy and peace, making the atmosphere serene.  
Armin Dutia Motashaw



# Introducing Two Books Available on Amazon

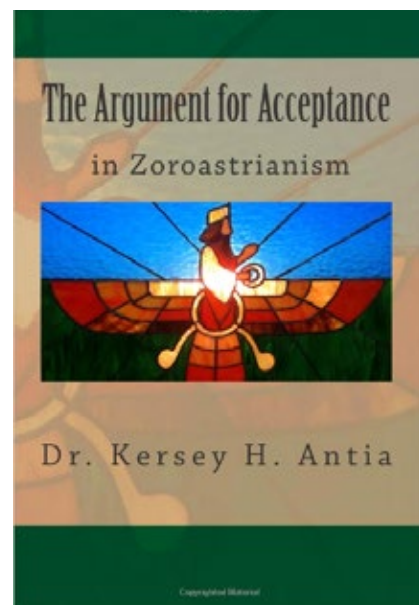
## **The Argument for Acceptance in Zoroastrianism, by Dr. Kersey Antia**

Available at Amazon.com or Createspace.com

Price \$8.34 each

While migrating at a whopping rate (almost/at least 20% of our total population) for various reasons to North America and other western nations has greatly enhanced their status in various fields, it has led to a crisis for the next generation's acceptance in the faith by the Parsi (though not Irani) rules very strictly tying ethnicity with religion. Although every effort is needed to preserve our ethnicity in view of our dismal decimal numbers, (which too is a consequence of the strict ethnicity rule which hitherto had had no place in Zoroastrianism but was due to the peculiar socio-religious circumstances prevailing in India), it is increasingly becoming impossible to maintain ethnicity for a miniscule race spread all over the free world despite their best efforts to safeguard it. This places an enormous responsibility on the present generation to ensure that the faith our ancestors have meticulously preserved, despite the unending persecutions over 1,300 years or so, will not come to naught by our own actions.

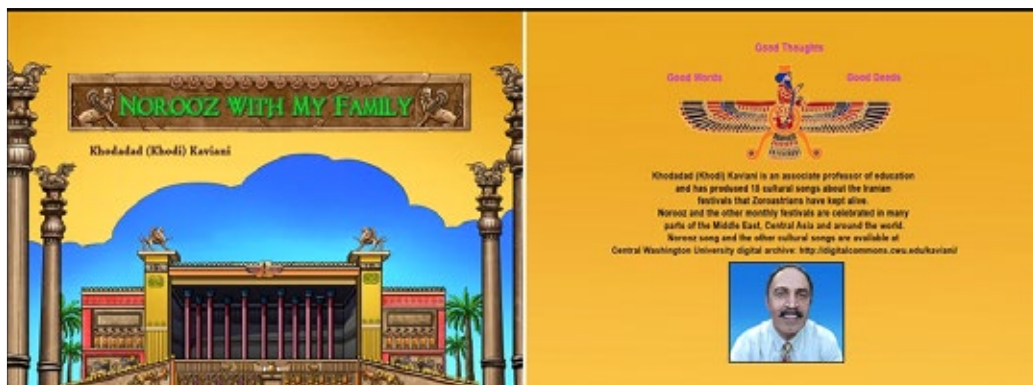
One only has to look to our prophet and history for guidance in this crucial matter and this is what Dr. Kersey Antia has painstakingly done in this book, often at great distress, repudiation, and expense to himself. The book is his own labor of love and is not funded by anyone. The book empowers our progeny to assert their right to continue to be Zoroastrian and no prophets of ethnicity can deprive them of it or mislead them about it. The book also addresses recent attempts at compromising gender equality in Zoroastrianism by over relying on later evidence and confirms women's equal status so unequivocally, rather vehemently emphasized by the prophet himself even in his pre-historic times. He has clearly vindicated that the truth (Haithya, Satya) he preaches is "equally true for men as well as for women" in Yasna 53, etc. We have no right then to bar from the faith women (or their progeny) marrying out due to unavoidable circumstances prevailing in the new world. It belongs in every immigrant family's book collection. It is the least it could do to ensure our survival in the new world and often enough in the old world. It is the best inheritance, if not the only meaningful one, we can pass on to our progeny and ensure the survival of the most ancient faith in the history of the world.



[https://www.amazon.com/dp/1542930162/ref=sr\\_1\\_1?s=books&ie=UTF8&qid=1487274253&sr=1-1](https://www.amazon.com/dp/1542930162/ref=sr_1_1?s=books&ie=UTF8&qid=1487274253&sr=1-1)

## **Norooz with My Family Paperback – February 16, 2017 by Dr. Khodadad (Khodi) Kaviani (Author)**

A sister and her brother share with classmates their Norooz (New Year) experiences. They live in Yazd, Iran, the city of beautiful wind catchers. They talk about spring cleaning, carpet washing, chaarshanbeh soori, preparing the Haft-Seen, plus other activities during this festive time of year. They reveal why people say, "Norooz Peerooz! [Wishing you a victorious Norooz!], and King Jamsheed's association with Norooz, the start of spring! They also learn about the Zoroastrian roots of Haft-Seen. This illustrated book is written in poetry. To listen to the Norooz song and other cultural songs, go to Central Washington University Digital Archive: Khodadad Kaviani, Persian Music Collection: <http://digitalcommons.cwu.edu/kaviani/>



Chehrenama is very appreciative to Mrs. Adeleh Alba for thinking of children and creating a word puzzle for them in this issue. We hope our young readers enjoy this.

## Word Puzzel

E	Q	P	E	S	H	E	K	R	E	S	D
S	A	B	Z	E	H	T	Q	O	O	Z	Y
I	D	M	E	T	I	R	G	M	N	B	A
Z	R	C	Y	Q	Z	F	A	N	S	S	T
D	U	D	U	O	U	Q	T	H	E	S	H
E	J	P	E	P	W	I	R	D	E	T	A
H	Q	R	E	J	P	S	N	M	R	R	A
B	S	A	M	A	N	U	V	O	A	I	H
E	H	A	F	T	S	E	E	N	X	Z	B
D	O	V	B	I	C	D	S	T	X	E	E
A	W	O	N	O	W	R	U	Z	L	N	E
R	M	Y	U	I	T	P	B	D	K	M	S



- 1- Persian new year.
- 2- Persians celebrate new year on spring ----- .
- 3- Seven symbolic items traditionally displayed on Nowruz table is called ----- .
- 4- Celebration of the 13th day after Nowruz.
- 5- What are the seven S's:

Answers: 1-Nowruz,2-Equinox,3-Haftseen,4-Sizdeh Bedar,5-Sabzeh,Samannu,Senjed,Seer,Seeb,Somagh,Serkeh